

پسوندها و پسوندوارهای فارسی

۸ اردیبهشت ۱۳۹۴، ۹:۵۴ ق.ظ

پسوندها و پسوندوارهای فارسی

بهرز صفرزاده

منبع اصلی واژه‌ها **فرهنگ بزرگ سخن**، به سرپرستی دکتر حسن انوری، بوده‌است و واژه‌های جدید را نیز افزوده‌ام.

یادآور می‌شوم که در کتاب ارزشمند **فرهنگ فارسی زانسو** (۱۳۷۲)، تألیف آقای خسرو کیشانی، واژه‌ها و اصطلاحات فارسی به ترتیب الفبا از حرف آخر به اول و بدون تفکیک معنایی مرتب شده‌اند.

نشانه‌ی * (ستاره) برای واژه‌های قدیمی به کار رفته است.

. آباد

امین‌آباد، پناه‌آباد*، حسین‌آباد، حلبی‌آباد، خراب‌آباد، دارآباد، علی‌آباد، محنت‌آباد، ناکجاآباد، نیست‌آباد، وحشت‌آباد

. آجین*

بلورآجین، تیرآجین، تیغ‌آجین، سوزن‌آجین، شمشیرآجین، شمع‌آجین، قفل‌آجین، کاردآجین، میخ‌آجین

. آرای

بزم‌آرای، چمن‌آرای*، چهره‌آرای، خود‌آرای، سپاه‌آرای، سخن‌آرای، سفره‌آرای، صحنه‌آرای، صف‌آرای، صفحه‌آرای، عبارت‌آرای*، گل‌آرای، لشکرآرای، مجلس‌آرای

. آزاری

حیوان‌آزاری، خود‌آزاری، دیگرآزاری، کودک‌آزاری، مردم‌آزاری، همسرآزاری

. آزما

آب‌آزما*، جنگ‌آزما*، رزم‌آزما*، زورآزما، کارآزما*، مردآزما*، نبردآزما*

. آزمایی

بخت‌آزمایی، جنگ‌آزمایی*، خود‌آزمایی، ذوق‌آزمایی، راستی‌آزمایی، رزم‌آزمایی*، زورآزمایی، طبع‌آزمایی، کارآزمایی*، مردآزمایی*، نبردآزمایی، نظرآزمایی، هوش‌آزمایی

. آسا

آفتاب آسا، برق آسا، بهشت آسا، تندر آسا، جواهر آسا، خلیل آسا، رعد آسا، سپند آسا، سیل آسا، گول آسا، مرگ آسا، معجزه آسا، نهنگ آسا

. آشام

خون آشام، دُرْد آشام، دُرْدی آشام، دوزخ آشام*

. آشنا

دیر آشنا، زود آشنا

. آفرین

افتخار آفرین، امید آفرین، تحول آفرین، تشنج آفرین، جان آفرین، جهان آفرین، حماسه آفرین، خطر آفرین، درد سر آفرین، شادی آفرین، شور آفرین، غرور آفرین، کار آفرین، مرگ آفرین، مشکل آفرین، مضمون آفرین، معنی آفرین، نقش آفرین

. آگین

خشم آگین، درد آگین*، زهر آگین، شرم آگین، عبیر آگین*، عطر آگین، مهر آگین

. آلات

آهن آلات، ابزار آلات، بلور آلات، چینی آلات، زیور آلات، ماشین آلات

. آلود

اخم آلود، اشک آلود، بغض آلود، پف آلود، حسد آلود، حسرت آلود، خاک آلود، خباثت آلود، خشم آلود، خفقان آلود، خمار آلود، خواب آلود، خون آلود، درد آلود، دود آلود، راز آلود، رشک آلود، زهر آلود، شهوت آلود، غبار آلود، غرض آلود، غضب آلود، قهر آلود، قی آلود، کف آلود، گرد آلود، گل آلود، گناه آلود، مه آلود

. آمایی

داده آمایی، کتاب آمایی، گد آمایی

. آمد، . امد

بسامد، پیامد، پیش آمد، خلاف آمد، خوش آمد، درآمد، رفت و آمد، روز آمد، سر آمد، کار آمد

. آموز

ادب آموز، پند آموز، حکمت آموز، دانش آموز، دست آموز، دیر آموز، زبان آموز، کار آموز، مسئله آموز*، مصلحت آموز*، نو آموز، هنر آموز

. آمیز

ابتکارآمیز، احترامآمیز، احتیاطآمیز، ادبارآمیز، استحالہآمیز، اسرارآمیز، اشتیاقآمیز، اضطرابآمیز، اعتراضآمیز، اعجابآمیز، اغراقآمیز، التماسآمیز، انتقادآمیز، اہانتآمیز، بحرانآمیز، بدعتآمیز، تأسفآمیز، تبریکآمیز، تبسمآمیز، تبعیضآمیز، تحسینآمیز، تحکمآمیز، تشکرآمیز، تعجبآمیز، تکبرآمیز، تمسخرآمیز، توهینآمیز، تهدیدآمیز، جسارتآمیز، جنونآمیز، حسادتآمیز، حسدآمیز، حسرتآمیز، حشوآمیز، حکمتآمیز، خشونتآمیز، خصومتآمیز، دردآمیز*، دُردآمیز*، دُردیآمیز*، دغدغہآمیز، دہشتآمیز، رضایتآمیز، رمزآمیز، رنجشآمیز، ریاضتآمیز، ریشخندآمیز، ستایشآمیز، سحرآمیز، سخرہآمیز، سرزنشآمیز، شتابآمیز، شرارتآمیز، شرکآمیز، شکوہآمیز، شماتتآمیز، شوخیآمیز، شہوتآمیز، شیطنتآمیز، صداقتآمیز، صلحآمیز، طعنہآمیز، طنزآمیز، طیبیتآمیز، عبرتآمیز، عبیرآمیز*، عتابآمیز، عصیانآمیز، عطراآمیز، عطوفتآمیز، غرضآمیز*، غرورآمیز، فسقآمیز، قہرآمیز، کدورتآمیز، کراہتآمیز، کسالتآمیز، کفرآمیز، کنایہآمیز، گزافہآمیز، گلایہآمیز، لطفآمیز، مبالغہآمیز، مجاملہآمیز، محبتآمیز، مخاصمہآمیز، مخاطرہآمیز، مزاحآمیز، مسالمتآمیز، مصلحتآمیز، معجزہآمیز، مفاخرہآمیز، مفسدہآمیز، مکرآمیز، ملاطفتآمیز، ملامتآمیز، موفقیّتآمیز، مہرآمیز، نفرتآمیز، وحشتآمیز، وسواسآمیز، وسوسہآمیز، ہراسآمیز، یاسآمیز

- اور

اختناق اور، ارزاور، استرس اور، اشتہا اور، اشک اور، اضطراب اور، اعتیاد اور، اعجاب اور، الزام اور، انزجار اور، پدید اور، پیام اور، تأثر اور، تأسف اور، ترحم اور، تعجب اور، تعہد اور، تہوع اور، جنگ اور، جنون اور، حزن اور، حیرت اور، خارش اور، خجالت اور، خجلت اور، خفقان اور، خلسہ اور، خلط اور، خندہ اور، خواب اور، درد اور، دلہرہ اور، رزم اور، رعب اور، رقت اور، روی اور، زبان اور، زجر اور، زور اور، سرسام اور، سُکراور، سود اور، شادی اور، شرم اور، شگفت اور، طرب اور، عذاب اور، فساد اور، قی اور، کسالت اور، گردن اور، گریہ اور، مرگ اور، مستی اور، ملال اور، نام اور، نان اور، نشاط اور، نفرت اور، نو اور، وحشت اور، ہراس اور، هول اور، یاد اور، یاس اور

- آورد، - اورد

برآورد، بزم آورد*، دست آورد، رہ آورد، شہر آورد، گفت آورد

- آوری، - اوری

استدلال آوری، برہان آوری، بہانہ آوری، جمع آوری، حجت آوری، دستان آوری*، دلیل آوری، سود آوری، عذراوری، عمل آوری، فراوری، فرزند آوری، فناوری، گردآوری، مترادف آوری، مثال آوری، نوآوری، یادآوری

- آویز، - اویز

چشم آویز*، حلق آویز، دست آویز، دل آویز، رخت آویز، سقف آویز، شب آویز*، گردن آویز، گلاویز، گوشت آویز

۱۔

بن مضارع + - ا: ایستا، بویا (جوز بویا)، بینا، پایا، پذیرا، پویا، تراوا، توانا، جویا، خوانا، دارا، دانا، رسا، روا، رها، زایا، سزا، شناسا، شنوا، کوشا، گوارا، گویا، مانا، میرا، نویسا*، یارا

صفت + - ا: بلند، پھنا، خنکا، درازا، راستا، روشنا، ژرفا، گرما

خوشا، دردا، دریغا، شگفتا، عجا، مبادا، مبارکا، همانا

آ۔

آنا، ابتدائاً، ابداً، اتصالاً، اتفاقاً، اثباتاً، اجباراً، اجماعاً، اجمالاً، احتراماً، احتمالاً، احتیاطاً، احیاناً، اختصاراً، اختصاصاً، اخلاقاً، اخیراً، ارتجالاً، ارثاً، اساساً، استثنائاً، استطراداً، اسماً، اشتباهاً، اصلتاً، اصطلاحاً، اصلاً، اصولاً، اضطراراً، اقلماً، اکثراً، اکیداً، الزاماً، انصافاً، اولاً، ایضاً، باطناً، بالاغیرتاً، بدهتاً، بدو، بعداً، بعضاً، بغتتاً، تبرعاً، تبرکاً، تحقیقاً، تخمیناً، تدریجاً، ترجیحاً، تصادفاً، تصریحاً، تعبداً، تعمداً، تفألماً، تفنناً، تقریباً، تلفناً، تلگرافاً، تلویحاً، تماماً، توأم، توسعاً، توضیحاً، تیمناً، ثالثاً، ثانیاً، جاناً و مالاً، جبراً، جدماً، جدیداً، جزئاً، جسارتاً، جسماً، جمعاً، جمیعاً، جنوباً، جواباً، حتماً، حدوداً، حضوراً، حقاً، حقیقتاً، حکماً، خالصاً مخلصاً، خانوادتاً، خصوصاً، خواهشاً، دائماً، دفعتاً، دقیقاً، دوماً، ذاتاً، ذیلاً، رابعاً، رأساً، رسماً، روحاً، زماناً، ژنتیکاً، سابقاً، سریعاً، سنماً، سوماً، سهواً، شخصاً، شدیداً، شرعاً، شرقاً، شفاهاً، شمالاً، صراحتاً، صرفاً، صریحاً، صورتاً، ضرباً زوراً، ضرورتاً، ضمناً، طبعاً، طبیعتاً، طرداً للباب، طولاً، ظاهراً، عادتاً، عالماً، عامداً، عجالتاً، عرضاً، عرفاً، علناً، عمدتاً، عمرماً، عملاً، عمومماً، عمیقاً، عیناً، غالباً، غرباً، غفلتاً، غیاباً، فردآفرد، فرضاً، فطرتاً، فعلاً، فوراً، قاعدتاً، قانوناً، قبلاً، قربتاً الی الله، قطعاً، قلباً، قویاً، قهراً، قیاساً، قیافتاً، کاملاً، کتباً، کراراً، کلاً، کلیتاً، کمماً، کیفاً، گاهاً، لزوماً، لطفاً، لغتاً، لفظاً، مالاً، ماهیتاً، متحداً، متدرجاً، متساویاً، متعاقباً، متفقاً، متقابلاً، متناسباً، متناوباً، متوالیاً، مثلاً، مجازاً، مجاناً، مجدداً، مجموعاً، محترماً، محتملاً، محققاً، مختصراً، مخصوصاً، مرتباً، مرجحاً، مسامحتاً، مستقلاً، مستقیماً، مستمرماً، مسلماً، مشترکاً، مشخصاً، مشروحاً، مصرماً، مضافاً، مطلقاً، مطمئناً، معاً، معمولاً، معناً، مفتخرماً، مفصلاً، مقدمتاً، مکرراً، منحصرماً، منطقیماً، منظمماً، منفرداً، موقتاً، مؤکداً، ناچاراً، ناموساً، نتیجتاً، ندرتاً، نژاداً، نسبتاً، نظراً، نفیاً، نقداً، نوعاً، نهایتاً، نیابتاً، واقعاً، وجداناً، وکالتاً، یقیناً

. اب . . اب

پایاب، پرآب، پیشاب، تنداب، تیزاب، خوشاب، خیزاب، داغاب، دست‌به‌آب، دوشاب، دوغاب، دولاب، راه‌آب، ریماب*، زرداب، زهاب، زیرآب، سنگاب، سیلاب، شوراب، غرقاب، فاضلاب، کم‌آب، گرداب، گلاب، گنداب، مرداب، منجلاب، میراب، میلاب

. ابزار

تخته‌ابزار، جعبه‌ابزار، دیگ‌ابزار*، نوارابزار

. ابه . . ابه

تلخابه، چرکابه، حقابه، خونابه، ریزابه، ریمابه*، زهرابه، شاخابه، شورابه، گرمابه، گلابه*، لیزابه، ماهیابه*، مرگابه، نوشابه

. ات

آزمایشات، آفات، آلات، آیات، ابتکارات، ابتلائات، ابداعات، ابهامات، اتصالات، اتفاقات، اتهامات، اثرات، اجازات، اجتماعات، احتجاجات، احترامات، احتمالات، احتیاجات، احساسات، احوالات، اختراعات، اختصارات، اختصاصات، اختلافات، اختلالات، اختیارات، ادارات، ادراکات، ادوات، ارتباطات، ارتعاشات، ارتفاعات، ارجاعات، استثنائات، استحکامات، استدراکات، استدلالات، استعارات، استعمالات، استفتائات، استلزامات، استنباطات، اشارات، اشتباهات، اشتراکات، اشتغالات، اشکالات، اصطلاحات، اضافات، اطلاعات، اظهارات، اعتبارات، اعتراضات، اعترافات، اعتقادات، اعوجاجات، اغتشاشات، افادات، افاضات، افتخارات، اقتباسات، اقدامات، اقرارات، اقطاعات، اکتشافات، التهابات، الحاقات، الزامات، القائات، امارات، امانات، امتحانات، امتیازات، امکانات، امورات، امهات، انتخابات، انتشارات، انتصبات، انتظارات، انتظامات، انتقادات، انحرافات، انشعابات، انقباضات، ایالات، ائتلافات، ایرادات، باغات، بثورات، بخارات، بذورات، برکات، بروات، بقولات، بلورات، بیانات، پاکات، پیش‌نهادات، تأثرات، تأثیرات، تأسیسات، تأکیدات، تألمات، تألیفات، تأملات، تأمینات، تأویلات، تأییدات، تبادلات، تبدیلات، تبریکات، تبعات، تبعیضات، تبلیغات، تتبعات، تجاوزات، تجربیات، تجسّسات، تجلیات، تجمعات، تجملات، تحركات، تحریفات، تحریکات،

تحصنات، تحصیلات، تحقیقات، تحولات، تحیات، تخلفات، تخیلات، تدارکات، تذکرات، تراوشات، ترجیحات، ترشحات، ترفیعات، ترکیبات، ترهات، تزییقات، تزینات، تسبیحات، تسهیلات، تشابهات، تشبیهات، تشریفات، تشعشعات، تشکیلات، تشنجات، تشویقات، تصادفات، تصحیحات، تصحیفات، تصرفات، تصرفات، تصمیمات، تصنیفات، تصورات، تطورات، تظاهرات، تعارضات، تعارفات، تعبیرات، تعریفات، تعصبات، تعقیبات، تعلقات، تعلیقات، تعلیمات، تعمیرات، تعهدات، تغییرات، تفریحات، تفکرات، تقریرات، تقسیمات، تکلفات، تلفات، تلقینات، تلگرافات، تلمیحات، تمرینات، تمهیدات، تنازعات، تنظیمات، تنقلات، توجهات، توجیهات، توصیفات، توضیحات، توقعات، تولیدات، توهمات، تهاجمات، تهدیدات، ثمرات، جامدات، جراحات، جریانات، جزئیات، جلسات، جمادات، جماعات، جملات، جنایات، جهات، حاجات، حالات، حبوبات، حرکات، حشرات، حضرات، حکایات، حملات، حیوانات، خاطرات، خدمات، خرابات، خرافات، خزعبلات، خسارات، خطرات، خیالات، خیرات، درجات، دستورات، دفعات، دهات، دیات، ذاریات (والذاریات)، ذرات، رسالات، رسومات، روایات، ریاضات، زحمت، ساحات، سادات، ساعات، سرقات، سفارشات، سكرات، سکنات، سماوات، سنوات، سؤالات، سیارات، سیالات، شایعات، شبهات، شعبات، شکایات، شهوات، شیلات، شئونات، صادرات، صدمات، صفات، صفحات، صلوات، صناعات، ضایعات، ضربات، ضرورات، طاعات، طبقات، ظلمات، عادات، عایدات، عبادات، عبارات، عتبات عالیات، عرصات، عشرات، عضلات، عقبات، علامات، عمارات، عنایات، غایات، فتوحات، فرمایشات، فضولات، فعل و انفعالات، فلزات، فیوضات، قاذورات، قرانات، قطعات، قنوات، کائنات، کثافات، کرات (به کرات)، کُرَات، کرامات، کسورات، کلمات، کلیات، کمالات، کنایات، گزایشات، گزارشات، لحظات، لذات، لطمات، لغات، لهجات، مأکولات، مایعات، مباحثات، مبادلات، مبارزات، میرات، مبطلات، مبهمات، مترادفات، متصرفات، متعلقات، متفرعات، مثلثات، مجادلات، مجاهدات، مجردات، مجعولات، مجلات، مجلدات، مجهولات، محاسبات، محاکمات، محالات، محاورات، محتویات، محذوفات، محرمت، محسنات، محسوسات، محصولات، محظورات، محفوظات، محلات، مخابرات، مخاصمات، مخاطرات، مختصات، مخلفات، مخلوقات، مداخلات، مدرکات، مذاکرات، مراجعات، مراسلات، مراودات، مرسولات، مرکبات، مزخرفات، مسابقات، مسافات، مسامات، مستحبات، مستدعیات، مستعمرات، مستغلات، مستملکات، مستندات، مسکرات، مسکوکات، مسلمات، مشاجرات، مشاهدات، مشترکات، مشتقات، مشخصات، مشروبات، مشقات، مشکلات، مشهودات، مشهورات، مصطلحات، مصنفات، مصنوعات، مصوبات، مضرات، مطالبات، مطالعات، مطبوعات، مطهرات، معادلات، معالجات، معاملات، معاهدات، معاینات، معتقدات، معجزات، معضلات، معقولات، معلومات، مفروضات، مقالات، مقامات، مقتضیات، مقدرات، مقدسات، مقدمات، مقدورات، مقولات، مکاتبات، مکاشفات، مکالمات، مکتوبات، مکررات، مکروهات، مکنونات، ملاحظات، ملبوسات، ملزومات، ملمعات، ممکنات، منازعات، مناسبات، مناظرات، مناقشات، مندرجات، منسوجات، منشآت، منویات، مواصلات، موجبات، موجودات، مؤسسات، موضوعات، موقوفات، مؤلفات، موهبات، موهومات، مهمات، ناملایمات، نباتات، نجاسات، نذورات، نزولات، نظرات، نعمات، نغمات، نفرات، نفقات، نقل و انتقالات، نمرات، نوسانات، نیت، واجبات، واضحات، وجنات، وجوهات، هذیانات، هیآت، هیجانات

۱- اده

پیاده، خانواده، سنباده، نواده (نوه + اده؟)

۱- ار

بافتار، برخوردار، بُردار، بَستار، پدیدار، پذیرفتار*، پذیرفتار*، پرستار، پیوستار، جُستار، خریدار، خشکار، خواستار، خواندار، دادار*، دیدار، رفتار، زنگار، ساختار، شنیدار، کردار، کشتار، گرفتار، گشتار، گفتار، مردار، نمودار، نوشتار، ویراستار

۱- افروز

آتش‌افروز، بستان‌افروز، بوستان‌افروز، جنگ‌افروز، جهان‌افروز، چمن‌افروز*، مجلس‌افروز

. افزا

جان‌افزا، حسرت‌افزا، روح‌افزا، زحمت‌افزا*، زینت‌افزا، شادی‌افزا، طرب‌افزا، عبرت‌افزا، عزت‌افزا، غم‌افزا، کسالت‌افزا، کِشت‌افزا*، وجدافزا، هول‌افزا*

. افزار

باچ‌افزار، بدافزار، پافزار، پای‌افزار، جنگ‌افزار، دست‌افزار*، دیگ‌افزار*، سخت‌افزار، نرم‌افزار، نوشت‌افزار

. افزایی

بصیرت‌افزایی، ثروت‌افزایی، دانش‌افزایی، کارافزایی، مهارت‌افزایی، وندافزایی، هم‌افزایی

. افشان

بذرافشان، پرتوافشان، جوهرافشان، دُرافشان، عنبرافشان*، گوهرافشان*، نورافشان

. افشانی

بذرافشانی، پرتوافشانی، عطرافشانی، گرده‌افشانی، گلاب‌افشانی، نورافشانی

. افکن

اژدرافکن، بمب‌افکن، پرتوافکن، زوبین‌افکن*، سایه‌افکن، سنگ‌افکن*، کسادافکن*، لیزرافکن، نورافکن

. افکنی

اختلاف‌افکنی، پرتوافکنی، تفرقه‌افکنی، جدایی‌افکنی، شبهه‌افکنی، فتنه‌افکنی، نفاق‌افکنی

. اک

پوشاک، جوشاک*، خاشاک، خوراک، سوزاک، کاواک*، مگاک

. ال

پوشال، تختال، تفتال، تیغال، چنگال، دنبال، روال، شمشال، کِشال، گودال

. السادات

زینب‌السادات، فاطمه‌السادات، فرزانه‌السادات، ...

. الو، . آلو

اخمالو، پشمالو، پفالو، چاقالو، خواب‌آلو، گامبالو، گوشتالو

خرمالو، زردالو، شفتالو

. اله

ترشاله، دنباله، کشاله، گرداله

. الی

گردالی

. ان

آبله مرغان (آبله مرغون)، آقایان (آقایون)، از ما بهتران (از ما بهترون)، اطرافیان، بازوان، بانوان، بستگان، بندپایان، جانوران، چتریان، چشمان، چهارپایان، درختان، دستان، دوزیستان، دیگران، زنان، ساکنان، کارکنان، کودکان، گربه‌سانان، گوسفندان، گیاهان، متخلفان، مخترعان، مردان، معلمان، ...

سخنان، گناهان

بامدادان، برف‌ریزان، برگ‌ریزان، حنابندان، ختنه‌سوران، راه‌بندان، سمنوپزان، شام‌گاهان، گوسفندکشان، یخ‌بندان

آبادان، آفتاب‌گردان، آویزان، ارزان، افتان و خیزان، باران، بُران، پایان، پای‌کوبان، پیران، پرسون‌پرسون، پریشان، تابان، تافتون (تافتان)، ترسان، جنبان، جوشان، چسبان، خرامان، خروشان، خندان، خواهان، دامن‌کشان، دوان‌دوان، زوزه‌کشان، سوزان، شادان، شایان، شتابان، شلان‌شلان، شناکنان، شیون‌کنان، غران، غرش‌کنان، فروزان، گریان، لب‌خندزنان، لرزان، لغزان، لنگ‌لنگان، ناگهان، نالان، ناله‌کنان، نفس‌نفس‌زنان، نگران، نمایان، وزان

. انداز

اژدرانداز، بارانداز، برانداز، پاندا، پس‌انداز، پشت‌هم‌انداز، پشم‌انداز، تک‌تیرانداز، تیرانداز، چشم‌انداز، خمپاره‌انداز، دست‌انداز، روانداز، زیرانداز، شلنگ‌انداز، غلط‌انداز، کلوخ‌انداز*، موشک‌انداز، ناوک‌انداز*، نیزه‌انداز، ورنانداز

. اندود

روی‌اندود، زرانود، قلع‌اندود، قیراندود، گل‌اندود، مشک‌اندود

. اندوز

تجربه‌اندوز، ثروت‌اندوز، دانش‌اندوز، علم‌اندوز، مال‌اندوز

. اندیش

آزاداندیش، بداندیش، جزم‌اندیش، دوران‌اندیش، عاقبت‌اندیش، مآل‌اندیش، مثبت‌اندیش، محال‌اندیش، مرگ‌اندیش

. انگاری

پوچ‌انگاری، جرم‌انگاری، جسم‌انگاری، خودبیمارانگاری، ساده‌انگاری، سهل‌انگاری، نیست‌انگاری، ولن‌گاری، هیچ‌انگاری

. انگیز

اشتهاانگیز، اضطراب‌انگیز، اعجاب‌انگیز، بحث‌انگیز، تأثرانگیز، تأسف‌انگیز، تأمل‌انگیز، تعجب‌انگیز، تفرقه‌انگیز، تفکرانگیز، تنفرانگیز، جاذبه‌انگیز، حسرت‌انگیز، حیرت‌انگیز، خاطره‌انگیز، خوف‌انگیز، دشمنی‌انگیز*، دل‌انگیز، رخوت‌انگیز، رشک‌انگیز، رعب‌انگیز، روح‌انگیز، شرانگیز، شعف‌انگیز، شگفت‌انگیز، شورانگیز، شوق‌انگیز، شهوت‌انگیز، طرب‌انگیز، عبرت‌انگیز، غبطه‌انگیز، غرورانگیز، غم‌انگیز، فتنه‌انگیز، کدورت‌انگیز*، کراهت‌انگیز، کسالت‌انگیز، ملال‌انگیز، نشاط‌انگیز، نفرت‌انگیز، وحشت‌انگیز، وسوسه‌انگیز، هراس‌انگیز، هوس‌انگیز، هول‌انگیز، هیجان‌انگیز

انه

آزادانه، آگاهانه، آمرانه، ابلهانه، احمقانه، ادیبانه، استادانه، امیدوارانه، انگشتانه، بدبختانه، برادرانه، بزدلانه، بزرگانه، بزرگووارانه، بی‌ادبانه، بی‌باکانه، بی‌رحمانه، بی‌شرمانه، بی‌طرفانه، بیعانه، پدانه، پرهیزانه، پژوهانه، پسرانه، پیرانه، پیش‌دستانه، پیش‌گیرانه، جانانه، جانب‌دارانه، جسورانه، جوان‌مردانه، چاپلوسانه، حق‌شناسانه، حکیمانه، خاضعانه، خالصانه، خانمانه، خائنانه، خبیثانه، خرچسونه (خرچسانه)، خصمانه، خلاقانه، خواهرانه، خودسرانه، خوش‌بختانه، دخترانه، ددمنشانه، درویشانه، دزدانه، دشمنانه، دلاورانه، دل‌سوزانه، دلیرانه، دوسالانه، دوستانه، دهاتیانه، دیوانه، ردیلانه، روانه، روزانه، روشن‌فکرانه، ریاکارانه، ریغونه (ریغانه)، رئوفانه، زاهدانه، زنانه، زیرکانه، ساده‌لوحانه، سازش‌کارانه، سالانه، سببانه، ستم‌گرانه، سخت‌گیرانه، سرانه، سرسختانه، سرکوب‌گرانه، سهل‌انگارانه، شاعرانه، شاگردانه، شاهانه، شبانه، شبانه‌روز، شجاعانه، شکرانه، شوربختانه، صادقانه، صبحانه، صمیمانه، صوفیانه، ظالمانه، عابدانه، عاجزانه، عادلانه، عارفانه، عاشقانه، عالمانه، عامدانه، عامیانه، عصرانه، عوامانه، عوام‌فریبانه، عیدانه، غافل‌گیرانه، غرض‌ورزانه، غریبانه، غیورانه، فاتحانه، فاضلانه، فاضل‌مآبانه، فضل‌فروشانه، فقیرانه، فیلسوفانه، قاطعانه، قلندرانه، قهرمانانه، کارانه، کریمانه، کوله‌نظرانه، کودکانه، کورکورانه، کینه‌توزانه، گستاخانه، لجوجانه، مادرانه، ماهانه، ماهرانه، مایوسانه، مبتدیانه، مبتکرانه، متأسفانه، متعصبانه، متکبران، متکلفانه، متملقانه، متواضعانه، متهورانه، مجدانه، مجرمانه، محافظه‌کارانه، محتاطانه، محترمانه، محرمانه، محققانه، مخفیانه، مخلصانه، مدبرانه، مذبح‌خانه، مرتجعانه، مردانه، مزورانه، مستانه، مستبدانه، مستکبران، مسرفانه، مسلحانه، مسئولانه، مشتاقانه، مشفقانه، مصرانه، مظلومانه، معصومانه، مغرضانه، مغروران، مفتضحانه، مقتدرانه، ملتسمانه، ملحدانه، ملوکانه، منافقانه، منصفانه، مؤدبانه، مودیان، موشکافانه، مؤمنانه، مهربانانه، ناآگاهانه، ناامیدانه، ناباورانه، نابخردانه، ناجوان‌مردانه، ناشیانه، نقادانه، نوآورانه، نوبرانه (نوبرونه)، نومیدانه، وحشیانه، وفادارانه، وقیحانه، ویارانه، هندوانه، هنرمندان، هوسانه (هوسونه)، هوش‌یارانه، هیچ‌انگارانه، یارانه، یک‌سونگرانه

آزاداندیشانه، بداندیشانه، جزم‌اندیشانه، خشک‌اندیشانه، خیراندیشانه، دوران‌دیشانه، نیک‌اندیشانه

بدبینانه، خوش‌بینانه، دوربینانه، کوتاه‌بینانه، واقع‌بینانه

دوگانه‌پرستانه، میهن‌پرستانه، نژادپرستانه، وطن‌پرستانه

آشتی‌جویانه، انتقام‌جویانه، تلافی‌جویانه، صلح‌جویانه، مداخله‌جویانه

بدخواهانه، خودخواهانه، خیرخواهانه، نیک‌خواهانه

انسان‌دوستانه، بشر‌دوستانه، نوع‌دوستانه

آشوب‌طلبانه، اصلاح‌طلبانه، انحصارطلبانه، پوزش‌طلبانه، داوطلبانه، شهادت‌طلبانه، هرج و مرج‌طلبانه

آرمان‌گرایانه، انسان‌گرایانه، افراط‌گرایانه، تکثرگرایانه، صورت‌گرایانه، طبیعت‌گرایانه، کثرت‌گرایانه، کهنه‌گرایانه، ماده‌گرایانه، مطلق‌گرایانه، ملی‌گرایانه، ندانم‌گرایانه، واپس‌گرایانه، واقع‌گرایانه

آبرومندانه، پیروزمندانه، دردمندانه، رضایت‌مندانه، سخاوت‌مندانه، سعادت‌مندانه، شرافت‌مندانه، شکوه‌مندانه، ظفرمندانه، غیرت‌مندانه، قدرت‌مندانه، نیرومندانه، هوشمندانه

. انی

پیشانی، تختانی، جسمانی، ربانی، روحانی، شهوانی، طولانی، ظلمانی، عصبانی، عضلانی، عقلانی، فوقانی، نفسانی، نورانی، وحیانی

. اور

تکاور، تناور، جنگاور، خشماور*، دلاور، فناور، گشتاور

. اوند

بیناوند، پساوند، خویشاوند

. اووی

سوداوی، صفراوی، لنفاوی

. ایی

آلبانیایی، اتیوپیایی، استونیایی، اسلوواکیایی، اسلوونیایی، اندونزیایی، باکتریایی، بوسنیایی، بولیویایی، رومانیایی، سومالیایی، شیلیایی، شیمیایی، لیبیایی، لیتوانیایی، مالزیایی، نیجریایی، هاواییایی، یوگسلاویایی

. یا*

جوجه‌با، زیره‌با، سیکبا*، شوربا، شیربا*، ماست‌با

. باخته

پاک‌باخته، جان‌باخته، خودباخته، دادباخته، دل‌باخته، مال‌باخته

. باد

ابروباد، تش‌باد، تندباد، گردباد، نرمه‌باد

. بار

آتش‌بار، اسارت‌بار، اندوه‌بار، تأثیر‌بار، تأسف‌بار، حسرت‌بار، خون‌بار، رقت‌بار، رگ‌بار، زیان‌بار، شرارت‌بار، شرر‌بار، شماتت‌بار، غم‌بار، فلاکت‌بار، کراهت‌بار، کسالت‌بار، محنت‌بار، مرارت‌بار، مرگ‌بار، مصیبت‌بار

بدبار، بردبار، پربار، سبک‌بار، سربار، سنگین‌بار، گران‌بار

جویبار، دربار، دریا‌بار، رودبار

. باران

آتش‌باران، بمباران (بمب + باران)، تیرباران، سنگ‌باران، شهاب‌باران، فشفشه‌باران، گُل‌باران، گلوله‌باران

. باره

خواب‌باره، رقص‌باره، روسپی‌باره، زن‌باره، سماع‌باره*، شراب‌باره، شکم‌باره، عشق‌باره، غلام‌باره، غم‌باره*، قدح‌باره*، کرم‌باره*، گاوباره*، لوت‌باره*، نمازباره*

. باز

آب‌باز*، آکروبات‌باز، بچه‌باز، بندباز، پاک‌باز، پرنده‌باز، جان‌باز، چترباز، دخترباز، دغل‌باز، سرباز، عشق‌باز، قمارباز، کبوترباز، کتاب‌باز، کفترباز، ماشین‌باز، موبایل‌باز، نظرباز، هم‌جنس‌باز، هوس‌باز

درخانه‌باز، دست‌ودل‌باز، دل‌باز، کتاب‌باز

. بازار

آشفته‌بازار، اردوبازار*، جمعه‌بازار، دزدبازار، روزبازار، کوچه‌بازار، گیربازار

. بازی

آب‌بازی، بچه‌بازی، بندبازی، پاک‌بازی، پرنده‌بازی، خل‌بازی، دختربازی، دغل‌بازی، دنبال‌بازی، دیوونه‌بازی، سربازی، عشق‌بازی، قماربازی، کبوتربازی، کِش‌بازی، کفتربازی، گاوبازی، ماشین‌بازی، مسخره‌بازی، نظربازی، هم‌جنس‌بازی، هوس‌بازی

. باش

آماده‌باش، دورباش*، شاباش، شادباش

. باشی*

آب‌دارباشی، آجودان‌باشی، آش‌پزباشی، امیرآخورباشی، انباردارباشی، اون‌باشی، ایشیک‌آقاسی‌باشی، باغبان‌باشی، بُستان‌چی‌باشی، بلوک‌باشی، پنجاه‌باشی، پنجه‌باشی، پیش‌خدمت‌باشی، تفنگ‌دارباشی، توپ‌چی‌باشی، جارچی‌باشی، چاپارچی‌باشی، حکیم‌باشی، خادم‌باشی، خبازباشی، خواجه‌باشی، خیاط‌باشی، دَه‌باشی، زرگرباشی، سرای‌دارباشی، سقاباشی، سلیح‌دارباشی، شاطرباشی، صراف‌باشی، طاووس‌چی‌باشی، طب‌بخ‌باشی، عطارباشی، عکاس‌باشی، غلام‌باشی، فراش‌باشی، قاپوچی‌باشی، قصاب‌باشی، قورچی‌باشی، قهوه‌چی‌باشی، کالسکه‌چی‌باشی، لشکرنویس‌باشی، لَه‌باشی، مشعل‌دارباشی، معمارباشی، مقنی‌باشی، ملاباشی، منجم‌باشی، منشی‌باشی، مهترباشی، مهمان‌دارباشی، میرآخورباشی، میراب‌باشی، میرشکارباشی، مین‌باشی، نجارباشی، ندیم‌باشی، نسق‌چی‌باشی، نقاش‌باشی، وشاق‌باشی، یَساؤل‌باشی، یوزباشی

. باف

حریرباف، درشت‌باف، دست‌باف، ریزباف، قالی‌باف، کش‌باف

. بافی

خیال‌بافی، دروغ‌بافی، مهمل‌بافی

ابریشم‌بافی، پارچه‌بافی، جاجیم‌بافی، جوراب‌بافی، حریربافی، فرش‌بافی، قالی‌بافی، گلیم‌بافی، مکرمه‌بافی

بـال

تیزبال، چرخ‌بال، دست‌وبال، سبک‌بال، شاه‌بال

بـان

آتش‌بان، آسیابان، بادبان، باغبان، بستان‌بان، بوستان‌بان، پارک‌بان، پاسبان، پالیزبان*، پشتی‌بان، جالیزبان، جنگل‌بان، خلبان (خله + - بان)، دربان، دروازه‌بان، دریابان، دژبان، دشت‌بان، دوزخ‌بان، دیدبان، دیده‌بان، راه‌بان، رصدبان، زندان‌بان، ساریبان، سایه‌بان، سرگروه‌بان، سنگربان، سوزن‌بان، شتربان، شهربانی، صلح‌بان، فیل‌بان، قلعه‌بان، کرجی‌بان، کشتی‌بان، گرمابه‌بان*، گروه‌بان، گریبان، محیط‌بان، مرزبان، مهربان، میزبان، ناوبان، نگه‌بان

بـاور

خوش‌باور، دیرباور، زودباور

بـاوری

تقدیرباوری، جادوباوری، خودباوری، خوش‌باوری، دیرباوری، دین‌باوری، زودباوری، ناباوری

بـچه

آهوبچه، غلام‌بچه

بـخش

آرام‌بخش، آرامش‌بخش، آزادی‌بخش، اثربخش، اطمینان‌بخش، الهام‌بخش، امیدبخش، پایان‌بخش، تسلی‌بخش، ثمربخش، حیات‌بخش، رضایت‌بخش، روحیه‌بخش، رهایی‌بخش، زندگی‌بخش، زینت‌بخش، شادی‌بخش، شفابخش، کام‌بخش، مرادبخش*، مسرت‌بخش، نتیجه‌بخش، نویدبخش

بـخشی

اثربخشی، تعمیم‌بخشی، توان‌بخشی، حاتم‌بخشی، شخصیت‌بخشی، عمق‌بخشی

بـد

ارتشبد، دریابد، سپهبد

بـر

ارزبر، امربر، باربر، پیامبر، پیغامبر*، پیغمبر، دل‌بر، راه‌بر، رهبر، زمان‌بر، کاربر، نامه‌بر، نفربر، هزینه‌بر، هواپیما‌بر

درون‌بر، نوبر

- بُر

آهن‌بر، تیزبر، جیب‌بر، چوب‌بر، راه‌بر*، روده‌بر، شیشه‌بر، کابل‌بر

- برانگیز

اختلاف‌برانگیز، امید‌برانگیز، بحث‌برانگیز، تأسف‌برانگیز، تأمل‌برانگیز، تحسین‌برانگیز، تعجب‌برانگیز، جنجال‌برانگیز، چالش‌برانگیز، حسادت‌برانگیز، رشک‌برانگیز، سؤال‌برانگیز، شک‌برانگیز، شوق‌برانگیز، غبطه‌برانگیز، فتنه‌برانگیز

- برد

پیش‌برد، دست‌برد، دوربرد، رنج‌برد*، کاربرد، میان‌برد، هلی‌برد، هوابرد

- بردار

تعارف‌بردار، تعطیل‌بردار، تغییر‌بردار*، چون‌وچرا‌بردار، شوخی‌بردار

- برداری

آوار‌برداری، الگو‌برداری، بافت‌برداری، براده‌برداری، بهره‌برداری، پرده‌برداری، تصویر‌برداری، خاک‌برداری، سیاه‌برداری، صدا‌برداری، صورت‌برداری، عکس‌برداری، فیش‌برداری، فیلم‌برداری، کپی‌برداری، کلاه‌برداری، گزته‌برداری، گرده‌برداری، گود‌برداری، لایه‌برداری، نت‌برداری، نسخه‌برداری، نقشه‌برداری، نمونه‌برداری، وزنه‌برداری، یادداشت‌برداری

- برگردان

پاشنه‌برگردان، دوربرگردان، عکس‌برگردان، کابل‌برگردان، نواربرگردان، یقه‌برگردان

- بست

بن‌بست، چوب‌بست، خاربست*، داربست، دربست، دیواربست

- بسته

چشم‌وگوش‌بسته، دست‌بسته، زبان‌بسته، کت‌بسته، مداربسته، وابسته

- بگير

باج‌بگیر، جایزه‌بگیر، حقوق‌بگیر، دزدبگیر، مزدبگیر، مستمری‌بگیر، یارانه‌بگیر

- بلند

بالابند، پاشنه‌بلند، سربلند، قدبلند، نظربلند

- بن*

بادام‌بن، خاربن، خرما‌بن، سروبن، کدوبن، ناربن

- بند

آب‌بند، آرام‌بند، بازوبند، بیضه‌بند، پابند، پای‌بند، پستان‌بند، پشه‌بند، پوزبند، پیشانی‌بند، پیش‌بند، تخته‌بند، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، دست‌بند، زانوبند، زدوبند، ساق‌بند، سینه‌بند، شاش‌بند، شش‌لول‌بند، علاقه‌بند، فتق‌بند، قداره‌بند، کمر‌بند، گردن‌بند، ماست‌بند، مچ‌بند، نعل‌بند

- بندی

آب‌بندی، آتل‌بندی، آذین‌بندی، آیش‌بندی، اولویت‌بندی، بارم‌بندی، بخش‌بندی، پاراگراف‌بندی، پی‌بندی، تقسیم‌بندی، ته‌بندی، جدول‌بندی، جمله‌بندی، چشم‌بندی، خالی‌بندی، درجه‌بندی، دسته‌بندی، رتبه‌بندی، رنگ‌بندی، سازبندی، سازه‌بندی، سطح‌بندی، سطر‌بندی، شرط‌بندی، صفحه‌بندی، طبقه‌بندی، علاقه‌بندی، قفسه‌بندی، کرت‌بندی، کُرم‌بندی، کلاس‌بندی، گاو‌بندی، گروه‌بندی، ماست‌بندی، مالیات‌بندی، مهاربندی، میزان‌بندی

- بنیاد

پیکره‌بنیاد، سست‌بنیاد، نوبنیاد

- بنیان

دانش‌بنیان

- بود

بهبود، شایدبود*، کمبود، نابود

- بوم

ریگ‌بوم*، زادبوم، زربوم، میوه‌بوم*

- بها

آب‌بها، ابریشم‌بها*، خون‌بها، گازبها، نیم‌بها

- بیز*

آردبیز، بادبیزن (بادبزن)، خاک‌بیز

- بین

آخربین*، باریک‌بین، بازبین، بدبین، پاک‌بین، پیش‌بین، تیزبین، جهان‌بین، حق‌بین، حقیقت‌بین، خدابین، خودبین، خوش‌بین، خویشتن‌بین*، دوربین، دهن‌بین، ذره‌بین، روشن‌بین، ریزبین، ژرف‌بین، طالع‌بین، ظاهرین، عاقبت‌بین، غیب‌بین، فال‌بین، کف‌بین، کوتاه‌بین، کوتاه‌بین، مآل‌بین، مصلحت‌بین، نازک‌بین، نزدیک‌بین، نهان‌بین، واقع‌بین

- پا

چپ‌پا، چوب‌پا، دوال‌پا، راست‌پا، نوپا

دیرپا، شب‌پا، ماشین‌پا

- پاره

آتش‌پاره، آتیش‌پاره، آجرپاره، آهن‌پاره، پاره‌پاره، تخته‌پاره، تکه‌پاره، تیکه‌پاره، جگرپاره، چارپاره، خمپاره، زرپاره، سنگ‌پاره، شکرپاره، کاغذپاره، کهنه‌پاره، لته‌پاره*، لعل‌پاره*، ماه‌پاره، نان‌پاره*، نمدپاره، ورق‌پاره

- پاش

آب‌پاش، اسیدپاش، بادپاش، بذرپاش، رنگ‌پاش، سم‌پاش، سوخت‌پاش، شکرپاش، عطرپاش، گلاب‌پاش، نمک‌پاش، هواپاش

- پاشی

آب‌پاشی، اسیدپاشی، بذرپاشی، سم‌پاشی

- پالا

خون‌پالا، سماق‌پالا، شیب‌پالا، گه‌پالا*

- پذیر

آسیب‌پذیر، آشتی‌پذیر، ابطال‌پذیر، اثبات‌پذیر، اجتناب‌پذیر، احتراق‌پذیر، استثناپذیر، اصلاح‌پذیر، امکان‌پذیر، انتقادپذیر، انتقال‌پذیر، انعطاف‌پذیر، باورپذیر، بخش‌پذیر، پیش‌بینی‌پذیر، تأثیرپذیر، تحمل‌پذیر، تحول‌پذیر، ترجمه‌پذیر، تردیدپذیر، ترمیم‌پذیر، تشکیک‌پذیر، تعمیرپذیر، تغییرپذیر، تفسیرپذیر، تفکیک‌پذیر، تقسیم‌پذیر، توجیه‌پذیر، جبران‌پذیر، جدایی‌پذیر، درمان‌پذیر، دگرگونی‌پذیر، دل‌پذیر، سازش‌پذیر، علاج‌پذیر، فرمان‌پذیر، گسترش‌پذیر، منت‌پذیر، نقدپذیر

- پُر

ته‌پر، سر‌پر، شکم‌پر

- پراکنی

اتهام‌پراکنی، خبرپراکنی، دروغ‌پراکنی، سخن‌پراکنی، شایعه‌پراکنی، شبهه‌پراکنی، لجن‌پراکنی، نامه‌پراکنی

- پرانی (پرونی)

اسم‌پرانی، پوکه‌پرانی، ترقه‌پرانی، تیکه‌پرانی، جفتک‌پرانی، سنگ‌پرانی، لُغْزِ پرونی، لگدپرانی، متلک‌پرانی، مزه‌پرانی، موشک‌پرانی، نامه‌پرانی

- پردازی

افسانه‌پردازی، ایده‌پردازی، جمله‌پردازی، چهره‌پردازی، حاشیه‌پردازی، حکایت‌پردازی، حماسه‌پردازی، خیال‌پردازی، داده‌پردازی، داستان‌پردازی، دروغ‌پردازی، رقص‌پردازی، رؤیاپردازی، شایعه‌پردازی، صحنه‌پردازی، طنزپردازی، عبارت‌پردازی، غزل‌پردازی، فرضیه‌پردازی، قصه‌پردازی، لفظ‌پردازی، نسخه‌پردازی، نظریه‌پردازی، نغمه‌پردازی*، نقش‌پردازی، نکته‌پردازی، نمادپردازی، نوپردازی، نورپردازی، واژه‌پردازی

- پرست

آتش‌پرست، آفتاب‌پرست، ایران‌پرست، بت‌پرست، بیگانه‌پرست، پول‌پرست، تجمل‌پرست، خداپرست، خودپرست، خورشیدپرست، دنیاپرست، شاه‌پرست، شخصیت‌پرست، شکم‌پرست، شهرت‌پرست، شهوت‌پرست، شیطان‌پرست، قندپرست*، قهرمان‌پرست، کهنه‌پرست، لذت‌پرست، مرده‌پرست، میهن‌پرست، نژادپرست، وطن‌پرست

- پرسی

احوال‌پرسی، باز‌پرسی، باور‌پرسی، همه‌پرسی

- پرواز

بلندپرواز، تیزپرواز، دور‌پرواز، عمودپرواز

- پرور

ادب‌پرور، بنده‌پرور، تن‌پرور، خسیس‌پرور، خیال‌پرور، داد‌پرور، دام‌پرور، دانش‌پرور، دون‌پرور، دیکتاتور‌پرور، دین‌پرور، رعیت‌پرور، روح‌پرور، سفله‌پرور، شهید‌پرور، عدالت‌پرور، قهرمان‌پرور، گدا‌پرور، معارف‌پرور، مؤمن‌پرور، هنر‌پرور

- پروری

آب‌زی‌پروری، ادب‌پروری، بنده‌پروری، تن‌پروری، خسیس‌پروری، خیال‌پروری، داد‌پروری، دام‌پروری، دانش‌پروری، دون‌پروری، دیکتاتور‌پروری، دین‌پروری، رعیت‌پروری، روح‌پروری، سفله‌پروری، شهید‌پروری، عدالت‌پروری، فرزند‌پروری، قهرمان‌پروری، کرم‌پروری، کودک‌پروری، گدا‌پروری، گیاه‌پروری، ماهی‌پروری، معارف‌پروری، مؤمن‌پروری، هنر‌پروری

- پرهیز

باده‌پرهیز، قرابه‌پرهیز*

- پرهیزی

باده‌پرهیزی، جرعه‌پرهیزی*، لقمه‌پرهیزی*

- پریشی

خواب‌پریشی، خوانش‌پریشی، روان‌پریشی، زبان‌پریشی، زمان‌پریشی، واج‌پریشی

- پز

آرام‌پز، آش‌پز، بخارپز، پلوپز، تندپز، زودپز، شیرینی‌پز، کاشی‌پز، کله‌پز

- پزشکی

پیراپزشکی، چشم‌پزشکی، دادپزشکی، دام‌پزشکی، دندان‌پزشکی، روان‌پزشکی

- پژوهی

حافظ‌پژوهی، دانش‌پژوهی، دستورپژوهی، دین‌پژوهی، شاه‌نامه‌پژوهی، عرفان‌پژوهی، قرآن‌پژوهی

- پسند

آسان‌پسند، جوان‌پسند، خاطرپسند*، دل‌پسند، عامه‌پسند، عوام‌پسند، مردم‌پسند، مشکل‌پسند، همه‌پسند

- پشت

پُریشت، خاریشت، سنگ‌پشت، کاسه‌پشت، کم‌پشت، گوژپشت، لاک‌پشت، هم‌پشت

- پلو

استانبولی‌پلو، زرشک‌پلو، لوبیاپلو، ماش‌پلو، مرصع‌پلو، میگوپلو، هویج‌پلو

- پناه

اسلام‌پناه*، جان‌پناه، دین‌پناه*، سرپناه

- پنداری

آشناپنداری، خودبزرگ‌پنداری، هم‌ذات‌پنداری

- پوست

برون‌پوست، درون‌پوست، رنگین‌پوست، سخت‌پوست، سفیدپوست، سیاه‌پوست

- پوش

بالاپوش، بام‌پوش، بدپوش، تک‌پوش، تن‌پوش، خوش‌پوش، درپوش، روپوش، زره‌پوش، زیرپوش، ژنده‌پوش، سرپوش، سفال‌پوش، سیاه‌پوش، شیک‌پوش، کف‌پوش، کفن‌پوش، گالی‌پوش

جرم‌پوش*، خطاپوش، عیب‌پوش

- پیچ

انگشت‌پیچ، پیچ‌درپیچ، زبان‌پیچ، سؤال‌پیچ، طناب‌پیچ، قن‌پیچ، کادوپیچ، کاغذپیچ، کرباس‌پیچ*، گوزپیچ، مارپیچ، نم‌پیچ، نی‌پیچ

- پیرا*

بوستان‌پیرا، پوستین‌پیرا، چمن‌پیرا، ناخن‌پیرا

- پیشه

آزپیشه*، تجارت‌پیشه، جفاییشه، جوان‌مردپیشه*، جورپیشه، دزدپیشه*، ستم‌پیشه، شاعرپیشه، صداییشه، طاعت‌پیشه*، ظلم‌پیشه، عاشق‌پیشه، عوان‌پیشه*، عیارپیشه*، غازی‌پیشه*، کرم‌پیشه*، گداییشه*، هنرپیشه

- پیکر

ازدهاپیکر، پهن‌پیکر، دوپیکر، گول‌پیکر، ماه‌پیکر، مه‌پیکر

- پیما

آسمان‌پیمان، اقیانوس‌پیمان، دشت‌پیمان، راه‌پیمان، زمین‌پیمان، شب‌پیمان*، فضاپیمان، قاره‌پیمان، کوه‌پیمان، هواپیمان

باده‌پیمان*، قدح‌پیمان*

- تابى

ابريشم‌تابى، تون‌تابى، رسن‌تابى*، ريسمان‌تابى*، زه‌تابى

- تر

آرام‌تر، آزادتر، بدتر، بزرگ‌تر، بهتر، دست از پا درازتر، زیباتر، کلانتر، مهتر، ...

- تراش

پیکرتراش، خودتراش، ریش‌تراش، سنگ‌تراش

- تراشى

اشکال‌تراشى، بهانه‌تراشى، خرج‌تراشى، دشمن‌تراشى، دليل‌تراشى، ريش‌تراشى، ريشه‌تراشى، عذرتراشى، مانع‌تراشى، مخالف‌تراشى، مشکل‌تراشى، معنی‌تراشى، ميل‌لنگ‌تراشى، هزینه‌تراشى

- ترين

آسان‌ترین، بدترین، بهترین، سخت‌ترین، مطمئن‌ترین، ...

- توان

پرتوان، کم‌توان، ناتوان

- جا

به‌جا، پابرجا، درجا، کم‌جا، ناب‌جا

- جات

اداره‌جات، ادویه‌جات، بدلی‌جات، بلورجات، ترشی‌جات، خالصه‌جات، دسته‌جات، روزنامه‌جات، سبزی‌جات، شیرینی‌جات، صیفی‌جات، طلاجات، عرقی‌جات، عمله‌جات، کارخانه‌جات، کاغذجات، مرباجات، میوه‌جات، نقره‌جات، نوشته‌جات

- جو

انتقام‌جو، برتری‌جو، بهانه‌جو، پناه‌جو، پیکار‌جو، تلافی‌جو، چاره‌جو، حق‌جو، حقیقت‌جو، خداجو، دانشجو، رزم‌جو، ستیزه‌جو، سودجو، صلح‌جو، عیب‌جو، کام‌جو، کمال‌جو، کینه‌جو، لذت‌جو، ماجراجو، مددجو، مصلحت‌جو، هنرجو

- جوش

خودجوش، دیرجوش، زودجوش، شیرجوش، قهوه‌جوش

- جویی

آشتی‌جویی، انتقام‌جویی، بازجویی، برتری‌جویی، بهانه‌جویی، پناه‌جویی، چاره‌جویی، دانشجویی، دل‌جویی، سلطه‌جویی، سودجویی، صرفه‌جویی، صلح‌جویی، عیب‌جویی، کام‌جویی، کناره‌جویی، لذت‌جویی، ماجراجویی، نوجویی

- جی

میانجی

- چال

آب‌چال، برف‌چال، پاچال، توچال، سُم‌چال، سنگ‌چال، سیاه‌چال، یخچال

- چاله

دام‌چاله، سیاه‌چاله

- چرانی (- چرونی)

چشم‌چرانی، غازچرانی، گاوچرانی، گوسفندچرانی

- چه

آلوچه، بازارچه، بازیچه، برچه، برگچه، بیلچه، پاچه، پارچه، پیازچه، تاربخچه، تریچه، تشکچه، تیرچه، تیمچه، حوضچه، خنچه، خوانچه، خوکچه، درختچه، دریاچه، دستارچه*، دفترچه، دلوچه، دنبالچه، دیگچه، ریشه‌چه، زاغچه، صندوقچه، طاقچه، قالیچه، کتابچه، کرسیچه، کمانچه، گویچه، لوچه (لب و لوچه)، ماهیچه، مخچه، مورچه، میخچه، ناوچه، نعلچه، نوچه، نیچه، نیمچه، یتیمچه

- چی

آب‌دارچی، اداره‌چی، الاغ‌چی، اوراق‌چی، باشماق‌چی*، بی‌سیم‌چی، پست‌چی، تبلیغات‌چی، تزییقات‌چی، تفنگ‌چی، تلفن‌چی، تلگراف‌چی، توپ‌چی، جارچی، چاپ‌چی، خرک‌چی، خمپاره‌چی، داروخانه‌چی، درشکه‌چی، رادیوچی، روزنامه‌چی، سرناجی، شکارچی، شیپورچی، قاطرچی، قهوه‌چی، کافه‌چی، کالسکه‌چی، کرناچی*، کشیک‌چی، کنترات‌چی، کنترل‌چی، گاری‌چی، گمرک‌چی، مزقون‌چی، مسافرخانه‌چی، نخودچی، هوچی

- چین

خبرچین، خوشه‌چین، دست‌چین، ریزه‌چین*، سخن‌چین، سیم‌چین، عرق‌چین، گل‌چین، موچین، میوه‌چین*

- چینی

اسباب‌چینی، توطئه‌چینی، خیرچینی، دسیسه‌چینی، دیوارچینی، ریزه‌چینی*، زمینه‌چینی، سخن‌چینی، کرسی‌چینی، مقدمه‌چینی

- خانه

آبدارخانه، آتش‌خانه، آش‌پزخانه، آینه‌خانه، ادب‌خانه، پست‌خانه، تاریک‌خانه، ترجمه‌خانه، تصفیه‌خانه، تلفن‌خانه، تلگراف‌خانه، تماشاخانه، جامه‌خانه، جَبّاخانه*، جَبّه‌خانه*، جذام‌خانه، جواهرخانه*، چاپارخانه، چاپ‌خانه، چای‌خانه، حوض‌خانه، خُم‌خانه*، خیش‌خانه*، داروخانه، دبیرخانه، دواخانه، رخت‌شوی‌خانه، رقص‌خانه، رودخانه، زرادخانه، زورخانه، سالمندخانه، سربازخانه، سردخانه، سقاخانه، شراب‌خانه*، شوقاژخانه، صندوق‌خانه، ضراب‌خانه، عکاس‌خانه، غسل‌خانه، فاحشه‌خانه، قرائت‌خانه، قصاب‌خانه، قمارخانه، قورخانه، قهوه‌خانه، کارخانه، کتاب‌خانه، گداخانه، گرم‌خانه، گل‌خانه، گیاه‌خانه، ماهی‌خانه، مرده‌شورخونه، مرده‌شوی‌خانه، مریض‌خانه، مسافرخانه، می‌خانه، میوه‌خانه*، نگارخانه، نمازخانه، نوان‌خانه، وزارت‌خانه، وضوخانه، یتیم‌خانه

- خدا

خانه‌خدا*، دهخدا، کدخدا، ناخدا

- خراش

آسمان‌خراش، جگرخراش، دل‌خراش، گوش‌خراش

- خند

پوزخند، تلخند (تلخ + خند)، ریش‌خند، زهرخند، سوگ‌خند، لب‌خند، نوش‌خند، نیش‌خند

- خو

بدخو، تندخو، خوش‌خو، درنده‌خو، زشت‌خو، نرم‌خو، نیک‌خو

- خواب

بغل‌خواب، بهارخواب، پرخواب، تخت‌خواب، دیرخواب*، رخت‌خواب، زمستان‌خواب، زیرخواب، کارتن‌خواب، کسر‌خواب، کم‌خواب، کیسه‌خواب، گران‌خواب*

- خوار

آدم‌خوار، باده‌خوار، پخته‌خوار، خام‌خوار، خام‌گیاه‌خوار، خون‌خوار، رباخوار، رشوه‌خوار، روزه‌خوار، زمین‌خوار، شادخوار، شراب‌خوار، شیرخوار، علف‌خوار، غم‌خوار، گوشت‌خوار، گیاه‌خوار، لجن‌خوار، ماهی‌خوار، می‌خوار، میراث‌خوار، میوه‌خوار، نوش‌خوار، همه‌چیزخوار

- خواره*

خون‌خواره، شراب‌خواره، شیرخواره

- خواری

آدم‌خواری، باده‌خواری، پخته‌خواری، خام‌خواری، خام‌گیاه‌خواری، خون‌خواری، رباخواری، رشوه‌خواری، روزه‌خواری، ریزه‌خواری، زمین‌خواری، شادخواری، شراب‌خواری، علف‌خواری، غم‌خواری، گوشت‌خواری، گیاه‌خواری، می‌خواری، میراث‌خواری، نوش‌خواری

- خواست

بازخواست، دادخواست، درخواست، کیفرخواست، واخواست*

- خوان (خون)

آوازخوان، آوازه‌خوان، انجیل‌خوان، درس‌خوان، دعاخوان، رمان‌خوان، روزنامه‌خوان، روضه‌خوان، شاه‌نامه‌خوان، قرآن‌خوان، کتاب‌خوان، مثنوی‌خوان، نقشه‌خوان، نمونه‌خوان، نوحه‌خوان

- خوانی (خونی)

آوازخوانی، آوازه‌خوانی، بازخوانی، بداهه‌خوانی، بدخوانی، پرده‌خوانی، تعزیه‌خوانی، تک‌خوانی، تندخوانی، چاووش‌خوانی، رجزخوانی، روان‌خوانی، روخوانی، روضه‌خوانی، شاه‌نامه‌خوانی، شبیه‌خوانی، فاتحه‌خوانی، قرآن‌خوانی، کتاب‌خوانی، لب‌خوانی، مثنوی‌خوانی، مخالف‌خوانی، ناهم‌خوانی، نت‌خوانی، نقشه‌خوانی، نمونه‌خوانی، نوحه‌خوانی، هم‌خوانی

- خواه

آزادی‌خواه، افزون‌خواه، بدخواه، ترقی‌خواه، تمامیت‌خواه، جمهوری‌خواه، خاطرخواه، خواه‌ناخواه، خودخواه، خیرخواه، دادخواه، عدالت‌خواه، مرگ‌خواه، مشروطه‌خواه، نیک‌خواه

- خواهی

آزادی‌خواهی، افزون‌خواهی، بدخواهی، ترقی‌خواه، تمامیت‌خواهی، جمهوری‌خواهی، خودخواهی، خون‌خواهی، خیرخواهی، زیاده‌خواهی، عدالت‌خواهی، مرگ‌خواهی، مشروطه‌خواهی، نیک‌خواهی

- خود

بی‌خود، خودبه‌خود، سرخود

- خور

آب‌خور، آبشخور، آرایش‌خور، پرده‌خور، تن‌خور، چس‌خور، چیزخور، حرام‌خور، حلال‌خور، خودخور، درخور، دل‌خور، دم‌خور، ردخور، ریزه‌خور، زنگ‌خور، سرخور، فراخور، کتک‌خور، گازخور، مال‌مردم‌خور، نون‌خور

- خورد

بازخورد، برخورد

- خورده

ترس خورده، زخم خورده، سال خورده، سرخورده، قسم خورده، واخورده

- خوری

آب خوری، بستنی خوری، پلوخوری، چس خوری، حرام خوری، حلال خوری، خودخوری، دل خوری، ناهار خوری

- خوش

الکی خوش، دل خوش، سرخوش، ناخوش

- خیز

افت و خیز، بادخیز، پنبه خیز، جرم خیز، جست و خیز، حادثه خیز، حاصل خیز، دورخیز، رستاخیز، زرخیز، زلزله خیز، زودخیز*، سحرخیز، سینه خیز، شب خیز، غله خیز، کون خیز، نفت خیز، نیم خیز

- خیم

بدخیم، خوش خیم، دژخیم

- داد

برون داد، رخ داد، روی داد، قرارداد

- دار

استان دار، انباردار، باردار، بچه دار، برده دار، بودار، پاس دار، پرچم دار، پرده دار، پول دار، تحصیل دار، جامه دار، جانب دار، جان دار، حساب دار، حکم دار، خانه دار، خبردار، خزانه دار، خطنگه دار، خوددار، خویشتن دار، داغ دار، دام دار، دفتردار، دل دار، دنباله دار، دین دار، رازدار، رستوران دار، روادار، روزه دار، زمام دار، زنبوردار، سایه دار، سرای دار، سرمایه دار، سهام دار، سینما دار، شب زنده دار، شوهردار، شهردار، طرف دار، علم دار، فرمان دار، کارخانه دار، کافه دار، کتاب دار، کفش دار، کلیددار، کندودار، گاودار، گله دار، گوسفنددار، مایه دار، مرغ دار، مریض دار، مسئله دار، مشعل دار، مَهردار، مهمان دار، میدان دار، نگاه دار، نگه دار، نوه دار، نیم دار، وام دار، وفادار، هتل دار، هش دار

سپیدار، سرخ دار

- داری

آب خیزداری، اسب داری، استان داری، انبارداری، بارداری، بچه داری، برده داری، بیمار داری، پاس داری، پرده داری، پول داری، تحصیل داری، جامه داری، جانب داری، حساب داری، حکم داری، خانه داری، خزانه داری، خودداری، خویشتن داری، دام داری، دفترداری، دل داری، دین داری، رازداری، رستوران داری، رواداری، روزه داری، زمام داری، زنبورداری، سرای داری، سرمایه داری، سررشته داری، سرمایه داری، سینما داری، شب زنده داری، شوهرداری، شهرداری، طرف داری، فرمان داری، کارخانه داری، کافه داری، کتاب داری، کندوداری، گاوداری، گله داری، گوسفندداری، مرغ داری، مریض داری، مَهرداری، مهمان داری، میدان داری، نگاه داری، نگه داری، نوه داری، وفاداری، هتل داری، همسر داری

- داشت

بازداشت، باورداشت، برداشت، بزرگ‌داشت، بهداشت، پاس‌داشت، تیمارداشت*، چشم‌داشت، حرمت‌داشت*،
عرضه‌داشت، فروداشت*، گرامی‌داشت، نکوداشت، نگاه‌داشت*، نگه‌داشت*، نیک‌داشت، نیکوداشت، نیم‌داشت*،
یادداشت

- دان (- دون)

آب‌دان، آتش‌دان، آرددان، انفیه‌دان، بخوردان، برگه‌دان، پیشاب‌دان، تخم‌دان، توشه‌دان، جامه‌دان، جزوه‌دان، چینه‌دان،
خاندان، خلطدان، دوک‌دان، دیگ‌دان، روغن‌دان (روغن‌دون)، زیاله‌دان (زیاله‌دون)، زغال‌دان، زرخدان*، زهدان،
ساجمه‌دان، سرمه‌دان (سرمه‌دون)، سیلف‌دان، سنگ‌دان (سنگ‌دون)، سوزن‌دان، شکر‌دان، شمع‌دان (شمع‌دون)،
شیردان (شیردون)، علوفه‌دان، فلفل‌دان، قلم‌دان، قندان (قند + - دان)، کاه‌دان (کاه‌دون)، گُم‌چادان، کمان‌دان،
گُمیزدان*، گلاب‌دان، گلدان (گلدون)، گُمیزدان*، مرگب‌دان، ناردان، ناودان (ناودون)، نرگس‌دان، نمک‌دان (نمک‌دون)،
هاگ‌دان، هیزمدان، یخدان (یخدون)

آداب‌دان، اقتصاددان، انگلیسی‌دان، بسیاری‌دان، تاریخ‌دان، تعارف‌دان، جغرافی‌دان، حساب‌دان، حقوق‌دان، دستوردان،
راه‌دان، ریاضی‌دان، شیمی‌دان، عربی‌دان، عیب‌دان، غیب‌دان، فارسی‌دان، فلسفه‌دان، فیزیک‌دان، قانون‌دان، قدردان،
کردان، کم‌دان*، منطق‌دان، موسیقی‌دان، نادان، همه‌چیزدان، همه‌دان، هندسه‌دان

- دانه (- دونه)

بنگ‌دانه، به‌دانه، پنبه‌دانه، دُر‌دانه، رنگ‌دانه، سیاه‌دانه، شاه‌دانه، قرمز‌دانه، لعاب‌دانه، نازدانه، یکی‌په‌دونه

- دانی (- دونی)

آرددانی (آرددونی)، آشغال‌دونی، خوک‌دانی (خوک‌دونی)، زغال‌دانی (زغال‌دونی)، سگ‌دانی (سگ‌دونی)، شمع‌دانی
(شمع‌دونی)، مرغ‌دانی (مرغ‌دونی)، نون‌دونی، هلفدونی

- درایی*

بیهوده‌درایی، ژاژدرایی، لک‌درایی، هرزه‌درایی، یاوه‌درایی

- درد

پادرد، چشم‌درد، دست‌درد، دل‌درد، دندان‌درد، سردرد، شکم‌درد، کمر‌درد، گوش‌درد، معده‌درد، وجدان‌درد

- درمانی

آب‌درمانی، بازی‌درمانی، برق‌درمانی، پرتودرمانی، دارودرمانی، روان‌درمانی، شعردرمانی، شیمی‌درمانی، کاردرمانی،
گرمادرمانی، ماساژدرمانی

- دزدی

آفتابه‌دزدی، برق‌دزدی، دله‌دزدی، سخن‌دزدی، قالپاق‌دزدی، کفن‌دزدی، ماشین‌دزدی

- دست

آب دست*، بالادست، پایین دست، تردست، تنگ دست، تهی دست، چابک دست، چپ دست، چرب دست، چیره دست، خوش دست، دوردست، راست دست، راه دست، رودست، زبردست، زبردست، گشاده دست، یک دست

- دستی

چرخ دستی، دستی دستی، صنایع دستی، فوتبال دستی، کاردستی، گاری دستی

- دل

بددل، بزدل، درددل، دودل، صاحب دل، کوردل، هم دل، یک دل

- دوز

دوخت و دوز، مامان دوز

- دوزی

آستردوزی، ابریشم دوزی، آپلیکه دوزی، برودری دوزی، پولک دوزی، پیراهن دوزی، ترمه دوزی، تک دوزی، تکه دوزی، تودوزی، چادر دوزی، حاشیه دوزی، دکمه دوزی، ژوردوزی، سردوزی، سری دوزی، سنجاق دوزی، سنگ دوزی، سوزن دوزی، شلال دوزی، شلوار دوزی، شماره دوزی، قلاب دوزی، کاموادوزی، گلابتون دوزی، گل دوزی، گوبلن دوزی، لبه دوزی، لحاف دوزی، مروارید دوزی، ملیله دوزی، منجوق دوزی

- دوست

بچه دوست، پول دوست، داردوست، زن دوست، شوهر دوست، کتاب دوست، مال دوست، میهن دوست، وطن دوست

- ده

بازده، شیرده، فرمان ده، کون ده

- دهنده

آزار دهنده، ادامه دهنده، ارائه دهنده، افزایش دهنده، پیش نهاد دهنده، تشکیل دهنده، سفارش دهنده، کاهش دهنده، نشان دهنده، هش داردهنده

- دهی

آب دهی، آنتن دهی، پاسخ دهی، درمان دهی*، رشوه دهی، زیان دهی، سازمان دهی، سامان دهی، سرویس دهی، سوددهی، شکل دهی، شیردهی، فرمان دهی، قُرم دهی، کوددهی، نوبت دهی

- دید

بازدید، رواید، صلاح دید، مصلحت دید

- دیس

تندیس، دگردیسی، سردیس، طاق‌دیس، قَرخاردیس*، ناودیس

- ران

اتوبوس‌ران، ارابه‌ران، تاکسی‌ران، قایق‌ران، لکوموتیوران، مگس‌ران*

حکمران، شهوت‌ران، کام‌ران، هوس‌ران

- راه

آزادراه، بزرگ‌راه، بی‌راه، راه‌راه، روبه‌راه، شاه‌راه، کوره‌راه، گم‌راه، نیمه‌راه، همراه

- راهه

آب‌راهه، بی‌راهه، شیب‌راهه

- رُبا

آدم‌ربا، آهن‌ربا، دل‌ربا، کهربا، هواپیما‌ربا، هوش‌ربا

- رُبایی

آدم‌ربایی، آهن‌ربایی، توپ‌ربایی، دل‌ربایی، کهربایی، هواپیما‌ربایی

- رس

بازرس، تیررس، چشم‌رس، دست‌رس، دیدرس، دیررس، زودرس، فریادرس

- رسانی

آب‌رسانی، آذوقه‌رسانی، اطلاع‌رسانی، امداد‌رسانی، برق‌رسانی، به‌روزرسانی، پیام‌رسانی، خبررسانی، خون‌رسانی، سوخت‌رسانی، کمک‌رسانی، گازرسانی، مهمات‌رسانی، نامه‌رسانی

- رسی

بازرسی، بررسی، حساب‌رسی، دست‌رسی، غوررسی، واریسی

- رفت

آمدورفت، برون‌رفت، پس‌رفت، پیش‌رفت، دررفت، هدررفت

- رنگ

آب‌رنگ، آبی‌رنگ، بی‌رنگ، پررنگ، خودرنگ، خوش‌رنگ، دورنگ، رنگارنگ، زردرنگ، شب‌رنگ، کم‌رنگ

- رو

آب‌رو، از زیر کار در رو، پیاده‌رو، پیرو، پیش‌رو، تندرو، درشکه‌رو، دنباله‌رو، راه‌رو، شیرجه‌رو، کالسکه‌رو، کندرو، ماشین‌رو، مال‌رو

سینمارو، کافه‌رو، کلیسارو، مسجدرو

- رو

آب‌رو، پررو، دورو، کم‌رو، یک‌رو

- روا

حاجت‌روا*، حکم‌روا، فرمان‌روا، کام‌روا

- روب

جاروب، خاک‌روب، ژفت‌وروب، غبارروب، لاروب، لای‌روب

- روبی

خاک‌روبی، غبارروبی، لارویی، لای‌روبی

- روز

امروز، بهروز، پریروز، پس‌پریروز، تیره‌روز، دیروز، سیاه‌روز، سیه‌روز، فرداروز، نیم‌روز

- ریز

آب‌ریز، برگ‌ریز، برون‌ریز، جلوریز*، خون‌ریز، درون‌ریز، دورریز، سرریز، سینه‌ریز، عنان‌ریز*، لب‌ریز، یه‌ریز

- ریزه

برف‌ریزه، سرما‌ریزه، سنگ‌ریزه، موریزه

- ریزی

آبروریزی، آسفالت‌ریزی، بتون‌ریزی، برنامه‌ریزی، تخم‌ریزی، خون‌ریزی، دوغاب‌ریزی، روغن‌ریزی، ریگ‌ریزی، شفته‌ریزی، شکرریزی، طرح‌ریزی، فولادریزی، قالب‌ریزی، قندریزی

- ریسی

پشم‌ریسی، پنبه‌ریسی، نخ‌ریسی

- زا

آلرژی‌زا، اشتغال‌زا، انرژی‌زا، باران‌زا، بچه‌زا، بحران‌زا، بکرزا، بیماری‌زا، پسرزا، تاول‌زا، تورم‌زا، جهش‌زا، حساسیت‌زا، خارش‌زا، دخترزا، درآمدزا، دودزا، زنده‌زا، سرطان‌زا، سرمازا، گرمازا، ماتمزا، مرگ‌زا، مشکل‌زا، نیروزا، یکه‌زا

- زاد

آدمی‌زاد، دیوزاد*، گورزاد، مادرزاد، مرده‌زاد، نوزاد، هم‌زاد

- زاده

اشراف‌زاده، امیرزاده، برادرزاده، ترک‌زاده، حرام‌زاده، حلال‌زاده، خواهرزاده، دیوزاده*، شاه‌زاده، گرگ‌زاده، گورزاده، میرزاده، نجیب‌زاده، نوزاده

- زار

ارزن‌زار*، باتلاق‌زار، برنج‌زار، بنفشه‌زار، بوته‌زار، بیدزار، بیشه‌زار، پنبه‌زار، تریاق‌زار*، چمن‌زار، خلنگ‌زار، ریگ‌زار، سبزه‌زار، سمن‌زار*، شالی‌زار، شن‌زار، شوره‌زار، علف‌زار، کارزار، کشت‌زار، کشته‌زار*، گل‌زار، گندم‌زار، گیاه‌زار*، لاله‌زار، لجن‌زار، مَرغزار، نمک‌زار، نی‌زار، یونجه‌زار

- زایی

اشتغال‌زایی، اندام‌زایی، بچه‌زایی، بکرزایی، بیابان‌زایی، پسرزایی، تخم‌زایی، دخترزایی، درآمدزایی، دوقلو‌زایی، زنده‌زایی، کوه‌زایی، مرده‌زایی، نازایی، نوزایی، هاگ‌زایی

- زخم

چشم‌زخم، زردزخم، سیاه‌زخم

- زد

زبان‌زد، گوش‌زد، نامزد

- زدایی

آشنایی‌زدایی، ابهام‌زدایی، بیابان‌زدایی، جنگل‌زدایی، خرافه‌زدایی، دین‌زدایی، سم‌زدایی، شوره‌زدایی، عادت‌زدایی، عفونت‌زدایی، غم‌زدایی*، فقرزدایی، کویرزدایی، گندزدایی، موربانه‌زدایی، موزدایی، میکروب‌زدایی، نمک‌زدایی، نیترات‌زدایی، یخ‌زدایی

- زده

آفت‌زده، بحران‌زده، خجالت‌زده، خواب‌زده، درس‌زده، دریازده، زلزله‌زده، سرمازده، سیل‌زده، شرم‌زده، شعارزده، طوفان‌زده، غرب‌زده، غم‌زده، قحطی‌زده، گرم‌زده، ماتم‌زده، ماشین‌زده، هواپیم‌زده، یخ‌زده

- زن

پاروزن، جرزن، جیب‌زن، دادزن، دریازن، راه‌زن، رای‌زن، کیف‌زن، گل‌زن، گول‌زن

پیرزن، شیرزن

- زنی

اتهام‌زنی، پاروزنی، پوززنی، جرزنی، چانه‌زنی، دادزنی، راه‌زنی، رای‌زنی، رکاب‌زنی، زیراب‌زنی، گل‌زنی، گمانه‌زنی، لاف‌زنی، مخ‌زنی

. سا

پری‌سا، دُرسا، غالیه‌سا*، مِه‌رسا، مه‌سا

. ساب

آب‌ساب، چوب‌ساب، حناساب، زعفران‌ساب، سنگ‌ساب، فلفل‌ساب، نرمه‌ساب

. ساخت

روساخت، زیرساخت، ژرف‌ساخت

. سادات

پری‌سادات، زهراسادات، زینب‌سادات، فاطمه‌سادات، مریم‌سادات، ...

. سار

چاه‌سار، چشمه‌سار، رخسار، رودسار، سایه‌سار، کان‌سار، کوه‌سار

خاک‌سار، خَشْتِنسار*، زیرک‌سار*، شرم‌سار، نگون‌سار

. ساز

آهنگ‌ساز، آینده‌ساز، انبوه‌ساز، بحران‌ساز، بدن‌ساز، تاریخ‌ساز، حادثه‌ساز، خبرساز، خطرساز، دردساز، دوران‌ساز، زمینه‌ساز، سازساز، سرنوشت‌ساز، شخصی‌ساز، شگفتی‌ساز، صفت‌ساز، قدیمی‌ساز، قیدساز، کارساز، مسئله‌ساز، مشکل‌ساز، مهندسی‌ساز، نوساز

. سازی

آزادسازی، آشکارسازی، آماده‌سازی، آهنگ‌سازی، استخوان‌سازی، اعتمادسازی، اگروزسازی، الگوسازی، انبوه‌سازی، ایمن‌سازی، باتری‌سازی، بارورسازی، بازسازی، بازی‌سازی، بحران‌سازی، بدن‌سازی، بسترسازی، بلندمرتبه‌سازی، بومی‌سازی، به‌سازی، بهینه‌سازی، پاک‌سازی، پروتئین‌سازی، پرورنده‌سازی، پنهان‌سازی، پیاده‌سازی، تجاری‌سازی، تصنیف‌سازی، تصویرسازی، تیپ‌سازی، جاده‌سازی، جاسازی، جداسازی، جمله‌سازی، جنجال‌سازی، جواهرسازی، جوسازی، جهانی‌سازی، چرم‌سازی، حساب‌سازی، خصوصی‌سازی، خنثاسازی، خودسازی، خودکارسازی، خونه‌سازی، داروسازی، دندان‌سازی، ذخیره‌سازی، راه‌سازی، روسازی، رهاسازی، زمینه‌سازی، زیباسازی، زیرسازی، ساختمان‌سازی، سازسازی، سالم‌سازی، سبب‌سازی، سترون‌سازی، سدسازی، سندسازی، سنگ‌سازی، شایعه‌سازی، شبیه‌سازی، شفاف‌سازی، شهرسازی، شهرک‌سازی، صحنه‌سازی، ظاهرسازی، عادی‌سازی، عقیم‌سازی، فرهنگ‌سازی، فضاسازی، قفل‌سازی، کارسازی، کاغذسازی، کتاب‌سازی، کشتی‌سازی، کلیدسازی، گراورسازی، گل‌گیرسازی، لانه‌سازی، ماشین‌سازی، مجسمه‌سازی، مستندسازی، معادل‌سازی، مقاوم‌سازی، ناهم‌سازی، نمایه‌سازی، نوسازی، واژه‌سازی، هم‌آهنگ‌سازی، هم‌سازی، یکسان‌سازی

. سال

بچه سال، بزرگ سال، خردسال، سن و سال، کم سال، کم سن و سال، کهن سال

. سالار

بچه سالار، پدرسالار، خوان سالار، دریا سالار، دیوان سالار، زرسالار، زن سالار، سپاه سالار، سپه سالار، شراب سالار، فرزندسالار، قافله سالار، کاروان سالار، مادرسالار، مردسالار، مردم سالار، نخبه سالار

. سالاری

بچه سالاری، پدرسالاری، دریا سالاری، دیوان سالاری، زرسالاری، زن سالاری، سپه سالاری، شایسته سالاری، فرزندسالاری، مادرسالاری، مردسالاری، مردم سالاری، نخبه سالاری

. سان

آن سان، این سان، چه سان، سگ سان، گربه سان، مرغ سان، همسان، یکسان

. ستان

آرامستان، افغانستان، انارستان، باغستان، بوستان، بهارستان*، بیدستان، بیمارستان، تابستان، تاجیکستان، تاکستان، توتستان، تیمارستان، چنارستان، خوزستان، دبستان، دبیرستان، دشتستان، دهستان، دیوانه ستان*، ریگستان*، زمستان، زنبورستان، سیستان، شبستان، شکرستان*، شهرستان، فرهنگستان، قبرستان، قلمستان، کارستان، کودکستان، کوهستان، گلستان، گورستان، لرستان، لهستان، مجارستان، موستان، میستان*، میوه ستان*، نارنجستان، نخلستان، نمکستان*، نهالستان، نیستان، هندوستان، هنرستان، یوسفستان*

. ستانی

جان ستانی*، دادستانی، دردستانی*، کام ستانی، کشورستانی*، کین ستانی*، گیتی ستانی*، ولایت ستانی*

. ستیزی

استکبارستیزی، استعمارستیزی، اسلام ستیزی، بیگانه ستیزی، دشمن ستیزی، دین ستیزی، زن ستیزی، عرب ستیزی، عربی ستیزی، غرب ستیزی، مردستیزی، یهودی ستیزی

. سرا

استادسرا، بُستان سرا*، بوستان سرا*، حرم سرا، دادسرا، دانش سرا، دولت سرا، دیزی سرا، زائرسرا، سرسرا، شیرینی سرا، فرهنگ سرا، قلیان سرا، کاروان سرا، ماتم سرا، مانتوسرا، مهمان سرا

بداهه سرا، بدیهه سرا، ترانه سرا، تصنیف سرا، حماسه سرا، دوبیتی سرا، رباعی سرا، سخن سرا، غزل سرا، قصیده سرا، مدیحه سرا، هم سرایان، یاوه سرا

. سنج

آب سنج، آمپرسنج، ارتفاع سنج، الکل سنج، بادسنج، باران سنج، برق سنج، پرتوسنج، چگالی سنج، دماسنج، رطوبت سنج، ریزسنج، زاویه سنج، زمان سنج، سرعت سنج، شتاب سنج، عمق سنج، فاصله سنج، فشارسنج، گرماسنج، مسافت سنج، مغناطیس سنج، نم سنج، نورسنج، نیروسنج، ولت سنج، هواسنج

- سنجی

آب سنجی، آمارسنجی، اخترسنجی، اعتبارسنجی، افکارسنجی، اقتصادسنجی، امکان سنجی، باران سنجی، بینایی سنجی، چگالی سنجی، داده سنجی، دانش سنجی، دم سنجی، زاویه سنجی، ژرفاسنجی، سخن سنجی، شخصیت سنجی، شنوایی سنجی، علم سنجی، عمق سنجی، عیارسنجی، مدرک سنجی، مغناطیس سنجی، نظرسنجی، نورسنجی

- سنگ

آب سنگ، پاره سنگ، تخته سنگ، جوش سنگ، خرسنگ، زغال سنگ، شهاب سنگ، قلاب سنگ، قلوه سنگ، کان سنگ، گران سنگ، گل سنگ، لیموسنگ، مارسنگ، ماسه سنگ، نارسنگ، هم سنگ

- سو

آن سو، این سو، برسو*، برون سو، چهارسو، درون سو، فراسو

- سواری

اسب سواری، الاغ سواری، تاب سواری، چابک سواری، خرسواری، درشکه سواری، دوچرخه سواری، شترسواری، فیل سواری، قایق سواری، کالسکه سواری، ماشین سواری، موتورسواری، موج سواری

- سوز

اندیشه سوز*، بخورسوز، بنزین سوز، بیشه سوز*، پیه سوز، دوگانه سوز، روغن سوز، زغال سوز، عودسوز، گازسوز، گازوئیل سوز، نفت سوز، هیزم سوز

جان سوز، دل سوز، لب سوز

- سوزی

آتش سوزی، خودسوزی، دل سوزی، روغن سوزی، زیاله سوزی، سبب سوزی، فرصت سوزی، کتاب سوزی، مرده سوزی

- سیر

سردسیر، گرم سیر

- ش

بن مضارع / اسم / صفت + - ش: آب ریزش، آرامش، آزمایش، آسایش، آفرینش، آرایش، آمرزش، آموزش، آمیزش، آیش، ارزش، اشک ریزش، افزایش، اکسایش، انگیزش، بارش، بالش، بخشش، برازش، بُرش، بسپارش، بودش*، بینش، پالایش، پایش، پذیرش، پردازش، پرستش، پرسش، پرش، پرورش، پژوهش، پوشش، پیچش، پیدایش، پیرایش، پیمایش، تابش، تپش، تراوش، ترکش (ترکیدن)، تنش، توانش، جنبش، جوشش، جهش، چربش، چرخش، چگالش، چینش، خارش، خرامش، خُرنش، خمش، خوانش، خواهش، خورش، دانش، درخشش، دمش، دهش، رامش*، رانش، ربایش، رمبش، رنجش، روش، رویش، رهایش*، ریزش، زایش، ژرفش، سازش، سایش، ستایش، سرایش، سرزنش، سرمایه‌ش، سفارش، سنجش، سوزش، شمارش، شورش، غرش، فرسایش، فرمایش، قطبش، کامش*، کاوش، کاهش، کِشش، کُشش*، کمانش، کنش، کوبش، کوشش، گدازش، گرانش، گرایش، گردش، گرمایش، گروهش، گزارش، گزش، گسترش، گشایش

گنجایش، گویش، گیرش*، لرزش، لغزش، لنگش، مالش، مکش، نالش*، نرمش، نکوهش، نگارش، نگرش، نمایش، نوازش، والایش، ورزش، ویرایش، همایش، یونش

- شار

آبشار، سرشار

- شت

بالشت، پاداشت*، خورشت، گوارشت*، گوشت*، مَیشت*

- شکافی

کالبدشکافی، گورشکافی، موشکافی

- شکل

بادامی شکل، گنبدی شکل

- شکن

اعتصاب شکن، بت شکن، پیمان شکن، توبه شکن، خط شکن، دشمن شکن، دندان شکن، سرشکن، سنت شکن، صف شکن، عهدشکن، فشارشکن، فندق شکن، فیلترشکن، قالب شکن، قانون شکن، قندشکن، موج شکن، مه شکن، ناوشکن، هنجارشکن، هیزم شکن، یخ شکن

- شمار

اخترشمار*، اندک شمار، انگشت شمار، ترددشمار، ثانیه شمار، دقیقه شمار، رکعت شمار، روزشمار، ساعت شمار، کیلومترشمار

- شماری

بازشماری، ثانیه شماری، سرشماری، صفحه شماری، گاه شماری، گل شماری، لحظه شماری، مدخل شماری، همه شماری

- شناس

آب شناس، آدم شناس، آسیب شناس، انگل شناس، جامعه شناس، جنین شناس، خداشناس، خودشناس، روان شناس، زبان شناس، زمین شناس، کارشناس، کتاب شناس، مرجع شناس، هواشناس

- شناسی

آب شناسی، آدم شناسی، آسیب شناسی، انگل شناسی، جامعه شناسی، جنین شناسی، خداشناسی، خودشناسی، روان شناسی، زمین شناسی، کارشناسی، کتاب شناسی، مرجع شناسی، هواشناسی

- شو

بازشو، تاشو، تخت‌خواب‌شو

- شو

بخارشو، رخت‌شو

- شور

رخت‌شور، ریگ‌شور، سنگ‌شور، کف‌شور، گربه‌شور

- شویه

پاشویه، دهان‌شویه

- شویی

اتوشویی، پول‌شویی، توشویی، خودروشویی، دست‌شویی، رخت‌شویی، روشویی، ظرف‌شویی، لباس‌شویی، لُنگ‌شویی، ماسه‌شویی

- شیفته

ابزارشیفته، خودشیفته، زن‌شیفته، کارشیفته، مردشیفته

- طلب

آرامش‌طلب، آسایش‌طلب، آشوب‌طلب، استقلال‌طلب، افزون‌طلب، انحصارطلب، انزواطلب، تجزیه‌طلب، تنوع‌طلب، جاه‌طلب، جدایی‌طلب، جنگ‌طلب، دنیاطلب، راحت‌طلب، ریاست‌طلب، سلطنت‌طلب، شهادت‌طلب، فرصت‌طلب، قدرت‌طلب، کمال‌طلب، لذت‌طلب، هرج‌ومرج‌طلب

- طلبی

آرامش‌طلبی، آسایش‌طلبی، آشوب‌طلبی، استقلال‌طلبی، افزون‌طلبی، انحصارطلبی، انزواطلبی، تجزیه‌طلبی، تنوع‌طلبی، جاه‌طلبی، جدایی‌طلبی، جنگ‌طلبی، دنیاطلبی، راحت‌طلبی، ریاست‌طلبی، سلطنت‌طلبی، شهادت‌طلبی، عشرت‌طلبی، فرصت‌طلبی، کمال‌طلبی، لذت‌طلبی، هرج‌ومرج‌طلبی

- غاله

بزغاله، جزغاله، داسغاله

- غول

اسبغول*، اسپغول*

- فرسا

تن‌فرسا، جان‌فرسا، روح‌فرسا، طاقت‌فرسا

. فرما

تشریف فرما، توبه فرما*، حکم فرما، فرمان فرما، کارفرما

. فرنگی

تره فرنگی، توالت فرنگی، توت فرنگی، کنگر فرنگی، گوجه فرنگی، لوبیا فرنگی، هویج فرنگی

. فروش

آدم فروش، اسباب بازی فروش، تن فروش، خودفروش، دست فروش، شیرینی فروش، عتیقه فروش، کتاب فروش، کم فروش، مانتو فروش، مصالح فروش

جلوه فروش، حُسن فروش، فخر فروش، فضل فروش

. فروشی

آدم فروشی، اسباب بازی فروشی، تن فروشی، خودفروشی، دست فروشی، شیرینی فروشی، عتیقه فروشی، کتاب فروشی، کم فروشی، مانتو فروشی، مصالح فروشی

جلوه فروشی، حُسن فروشی، فخر فروشی، فضل فروشی

. فریب

خود فریب، دل فریب، ظاهر فریب، عوام فریب، کودک فریب

. فریبی

خود فریبی، دل فریبی، ظاهر فریبی، عوام فریبی، کودک فریبی

. فشانی

آتش فشانی، جان فشانی، خون فشانی، دُرفشانی

. فنگ

پافنگ، جیم فنگ، چاتمه فنگ، حمایل فنگ، دست فنگ، دوش فنگ

. فهم

آدم فهم، آسان فهم، تیزفهم، چیزفهم، خرفهم، دشوارفهم، شیرفهم، عامه فهم، عوام فهم، کج فهم، کژفهم، همه فهم، همه کس فهم

. ک

آب‌دزدک، آخوندک، آدمک، آسیابک، ابزارک، اتاقتک، اسبک، انبرک، انجیرک، اندامک، انگولک، ایوانک، بادامک، بادبادک، بادکنک، بالشتک، بختک، بدک، برجک، برفک، برنامه (برنامه + - ک)، بندینک، پرک، پستانک، پسرک، پشتک، پشمک، پفک، پنیرک، پوشک، پولک، پهنک، پیامک، پیچک، پیوندک، تاژک، تخمک، ترتیزک / تره‌تیزک، ترسانک، ترشک، تشتک، تلخک، تیرک، جزیرک (جزیره + - ک)، جفتک، جوانک، جیرجیرک، چاهک، چرخ‌ریسک، چشمک، چنگک، چوبک، خارخسک، خارشک، خارک، خاله‌زنک، خرسک، خرک، خرگوشک، خروسک، خشتک، خوش‌خوشک، خیارک، دخترک، دستک، دل‌خوش‌کنک، دم‌پختک، دم‌جنبانک، دهک، دیرک، دیوارک، رقاصک، رنگینک، روروک، زردک، زنبورک، زنک، سالک، سپیدک، سرخک، سرک، سفیدک، سگک، سمعک، سنجاقک، سنگک، سوت‌سوتک، سیارک (سیاره + - ک)، سیاهک، سیبک، سیخک، سیخونک، سیرسیرک، شاپرک، شاخک، شاه‌وزوزک، شپشک، شکرک، شکلک، شلوارک، شمعک، شهرک، شیخک، شیطانک، صورتک، طبلك*، طفلک، عروسک، عَلمک، عینک، غربیلک، غلتک، فوت‌فوتک، قارقارک، قاشقک، قاصدک، قایم‌موشک (غایب‌باشک)، قطرک (قطره + - ک)، قلق (؟)، قوزک، کارت‌نک، کاردک، کارنامه (کارنامه + - ک)، کپلک، کرمک، کشکک، کفش‌دوزک، کفشک، کلاهک، کم‌گَمک، کیک، گرمک، گروهک، گوش‌خزک، گوش‌خیزک، گول‌زنک، لرزانک، لواشک، لیسک، ماهک، مترسک، مثلک، مخملک، مردک، مردمک، مرغک، مژک (مژه + - ک)، مگسک، موشک، مومک، میخک، ناخنک، نارنجک، نایژک (نایژه + - ک)، نرم‌نرمک، نم‌نمک، نی‌لبک، وروجک (فروجهک)، وول‌وولک، هستک (هسته + - ک)

. کار

آزادکار، اسراف‌کار، افراط‌کار، اهمال‌کار، باستانی‌کار، بدکار، بدل‌کار، برق‌کار، بزه‌کار، بی‌کار، پرکار، تبه‌کار، تجاوزکار، تقصیرکار، توبه‌کار، جفاکار، جنایت‌کار، خدمت‌کار، خراب‌کار، خطا‌کار، خلاف‌کار، خیانت‌کار، راه‌کار، رزمی‌کار، ریاکار، زناکار، سازش‌کار، ستم‌کار، سرکار، سوارکار، طمع‌کار، فداکار، فراموش‌کار، فرنگی‌کار، فریب‌کار، کم‌کار، گناه‌کار، محافظه‌کار، مددکار، ندانم‌کار، نیکوکار، ورزش‌کار، هم‌کار

. کاری

آب‌کاری، آجرکاری، آسفالت‌کاری، آینه‌کاری، احتیاط‌کاری، اسراف‌کاری، اصل‌کاری، اضافه‌کاری، افراط‌کاری، اندودکاری، اهمال‌کاری، بتونه‌کاری، بدل‌کاری، بده‌کاری، برش‌کاری، برق‌کاری، بزه‌کاری، بی‌کاری، پاس‌کاری، پرس‌کاری، پرکاری، پنهان‌کاری، پیمان‌کاری، تبه‌کاری، تراش‌کاری، تمیزکاری، جوش‌کاری، چکش‌کاری، چوب‌کاری، حق‌القدم‌کاری، خاتم‌کاری، خراب‌کاری، خرده‌کاری، خشکه‌کاری، خلاف‌کاری، خم‌کاری، درست‌کاری، دست‌کاری، دوباره‌کاری، دورکاری، روان‌کاری، روزکاری، روغن‌کاری، ریاکاری، ریزه‌کاری، سازش‌کاری، سرکاری، سفت‌کاری، سفیدکاری، سمبل‌کاری، سنگ‌کاری، سوارکاری، سوهان‌کاری، سیاسی‌کاری، سیمان‌کاری، شب‌کاری، شتاب‌کاری، شلوغ‌کاری، شیرین‌کاری، صاف‌کاری، طلب‌کاری، طمع‌کاری، عایق‌کاری، فحش و فحش‌کاری، فداکاری، فراموش‌کاری، فریزکاری، فریب‌کاری، فلزکاری، کاشی‌کاری، کتک‌کاری، کثافت‌کاری، کثیف‌کاری، کم‌کاری، کنده‌کاری، گچ‌کاری، گریس‌کاری، گندکاری، لحیم‌کاری، مایه‌کاری، محافظه‌کاری، محکم‌کاری، میخ‌کاری، مخفی‌کاری، مددکاری، مسامحه‌کاری، معرق‌کاری، مقاطعه‌کاری، مقرنس‌کاری، ملاحظه‌کاری، مثبت‌کاری، موازی‌کاری، مینا‌کاری، نابه‌کاری، نازک‌کاری، ندانم‌کاری، نماکاری، نم‌کاری، نوبت‌کاری، نوردکاری، ورزش‌کاری، نیکوکاری، هم‌کاری

آبی‌کاری، برنج‌کاری، جالیزکاری، جنگل‌کاری، درخت‌کاری، دیم‌کاری، دیمی‌کاری، صیفی‌کاری، قلمه‌کاری، گل‌کاری، نشاکاری، نهال‌کاری

. کام

به‌کام، پس‌کام، پیش‌کام، تلخ‌کام، دشمن‌کام*، دوست‌کام*، سخت‌کام، شادکام، شیرین‌کام، کام و ناکام*، میان‌کام، ناکام، ناکام و کام*، نرم‌کام

. کاو

روان‌کاو، ژرف‌کاو، کنج‌کاو

. کاوی

پی‌کاوی، داده‌کاوی، درون‌کاوی، روان‌کاوی، ژرف‌کاوی، کنج‌کاوی، معدن‌کاوی، واکاوی

. کاه

جان‌کاه

. کده

آتشکده، آموزش‌کده، اندیش‌کده، بتکده، پژوهش‌کده، دانشکده، دهکده، زبان‌کده، ظلمت‌کده، عشرت‌کده، ماتم‌کده، محنت‌کده، مهمان‌کده، می‌کده، هنرکده

. کرد

حواله‌کرد، دیرکرد، روی‌کرد، عمل‌کرد، کارکرد، یادکرد

. کردار*

آینه‌کردار، طاووس‌کردار، لعل‌کردار

. کش

آب‌کش، بارکش، پاشنه‌کش، پیش‌کش، جاروکش، جاکش، جورکش، چاقوکش، خارکش، درازکش، دل‌کش، دودکش، رنج‌کش، روکش، ریاضت‌کش، ریشه‌کش، زحمت‌کش، سرکش، سیم‌کش، قداره‌کش، کباده‌کش، گُس‌کش، کمرکش، گردن‌کش، لوله‌کش، منت‌کش، میخ‌کش، نازکش، ناوه‌کش، نخ‌کش، نعش‌کش، نفت‌کش، نفس‌کش، هفت‌تیرکش، هیزم‌کش، یدک‌کش

. کُش

آدم‌کش، آفت‌کش، پشه‌کش، حشره‌کش، دخترکش، زجرکش، ضعیف‌کش، عاشق‌کش، علف‌کش، غول‌کش، گرگ‌کش، لرکش، مگس‌کش، ویروس‌کش

. کِشی

آب‌کشی، آرشه‌کشی، اتوکشی، اثاث‌کشی، اردوکشی، اسباب‌کشی، بارکشی، جاروکشی، چاقوکشی، دندان‌کشی، سیم‌کشی، عصب‌کشی، قشون‌کشی، کیسه‌کشی، گیس‌وگیس‌کشی، لشکرکشی، لوله‌کشی، مسافرکشی، منت‌کشی، وزن‌کشی، هفت‌تیرکشی، یارکشی

. کُشی

آدم‌کشی، آفت‌کشی، برادرکشی، پدرکشی، خواهرکشی، خودکشی، سگ‌کشی، عصب‌کشی، کرم‌کشی، مادرکشی، نسل‌کشی، وقت‌کشی

. گن

بنه‌کن، بنیان‌کن، پوست‌کن، جاکن، چاه‌کن، رخت‌کن، ریشه‌کن، سیب‌زمینی‌پوست‌کن، قلوه‌کن، کفش‌کن

. گن

آب‌خشک‌کن، آب‌دوات‌کن، بازی‌کن، پاک‌کن، جاده‌صاف‌کن، چاه‌بازکن، خشک‌کن، سرخ‌کن، سوراخ‌کن، سیم‌لخت‌کن، کارکنان، گرم‌کن، مخلوط‌کن، مدادپاک‌کن

. کننده

آغازکننده، آلوده‌کننده، امضاکننده، امیدوارکننده، بازگوکننده، بیان‌کننده، پاک‌کننده، تظاهرکننده، تعیین‌کننده، تمام‌کننده، توزیع‌کننده، تولیدکننده، تهیه‌کننده، چاق‌کننده، خسته‌کننده، خوش‌حال‌کننده، خیره‌کننده، راضی‌کننده، سجده‌کننده، سرگرم‌کننده، شرکت‌کننده، ضد‌فونی‌کننده، قانع‌کننده، مذاکره‌کننده، مراجعه‌کننده، مرطوب‌کننده، مصاحبه‌کننده، مصرف‌کننده، ناامیدکننده، نابودکننده، ناراحت‌کننده، نرم‌کننده، ویران‌کننده

. کوب

برنج‌کوب، خال‌کوب، خرمن‌کوب، دارکوب، دژکوب، زرکوب، سرکوب، طلاکوب، گوشت‌کوب، لگدکوب، میخ‌کوب

. کوبی

آهن‌کوبی، توفال‌کوبی، خال‌کوبی، رویه‌کوبی، زرکوبی، شمع‌کوبی، شیروانی‌کوبی، طلاکوبی، لنت‌کوبی، نقره‌کوبی، ورق‌کوبی

. که

زنکه، مردکه

. کی

آبکی، الله‌بختکی، پس‌پسکی، پولکی، پیشکی، جگرکی، چپکی، چُسکی، حیوونکی، خارجکی، خرکی، دروغکی، دزدکی، راست‌راسکی، راستکی، رانکی، زورزورکی، زورکی، زیرچُلکی، زیرزیرکی، سیخکی، شانسکی، شُل‌شُلکی، شُلکی، طفلکی، عقبکی، قایمکی، قضاقتورکی، کجکی، کرمکی، مفتکی، هول‌هولکی، یواشکی

. گار

آفریدگار، آموزگار، پروردگار، پرهیزگار، خداوندگار، خواستگار، روزگار، سازگار، کردگار، ماندگار، یادگار

. گان

آزادگان، بازرگان، برندگان، بستگان، بندگان، پرندگان، جنوب‌گان، چرندگان، خزندگان، دوندگان، رایگان، رمزگان، زندگان، شمارگان، شمال‌گان، فریب‌خوردگان، فهرست‌گان، کارگان، کلیدگان، گروگان، مردگان، مهرگان، ناوگان، نشانگان

نویسندگان، واژگان، یگان (یک + - گان)

. گانه

پنج‌گانه، جداگانه، چندگانه، ده‌گانه، یگانه (یک + - گانه)، ...

. گاه

آبریزگاه، آرام‌گاه، آرایش‌گاه، آزمایش‌گاه، آسایش‌گاه، آغازگاه، آمادگاه، آموزش‌گاه، آوردگاه*، اردوگاه، اسارت‌گاه، استراحت‌گاه، اقامت‌گاه، اندرزگاه، ایست‌گاه، بارگاه، بازداشت‌گاه، باشگاه، بزم‌گاه، پاسگاه، پالایش‌گاه، پایگاه، پرت‌گاه، پرستش‌گاه، پرورش‌گاه، پژوهش‌گاه، پناه‌گاه، پیش‌گاه، پیکارگاه، تبعیدگاه، تجلی‌گاه، تعمیرگاه، تفرج‌گاه، تفریح‌گاه، تهی‌گاه، جای‌گاه، جنگ‌گاه*، جولان‌گاه، چاشت‌گاه، چراگاه، حله‌گاه، خاست‌گاه، خرگاه*، خواب‌گاه، خیمه‌گاه، دادگاه، دانشگاه، درگاه، درمان‌گاه، دستگاه، دیدگاه، رزم‌گاه، زایش‌گاه، زیارت‌گاه، سجده‌گاه، سکونت‌گاه، شام‌گاه، شبان‌گاه، شرم‌گاه، شکارگاه، شکنجه‌گاه، شیرخوارگاه، صبح‌گاه، طواف‌گاه، عشرت‌گاه، عصرگاه، عیدگاه*، فرودگاه، فروش‌گاه، قتل‌گاه، قرارگاه، قربان‌گاه، کارگاه، کشتارگاه، کمین‌گاه، گذرگاه، گردش‌گاه، گریزگاه، گلوگاه، گیج‌گاه، لشکرگاه، لغزش‌گاه، لنگرگاه، مأواگاه*، مخفی‌گاه، معراج‌گاه، منزل‌گاه، میدان‌گاه، میعادگاه، میقات‌گاه، نظرگاه، نمایش‌گاه، نهان‌گاه، وب‌گاه، ورزش‌گاه، وعده‌گاه، هرگاه، هیچ‌گاه

. گذاری

اثرگذاری، ارزش‌گذاری، اسم‌گذاری، اعراب‌گذاری، انگشت‌گذاری، بارگذاری، بمب‌گذاری، بنیان‌گذاری، بیمه‌گذاری، پایه‌گذاری، تأثیرگذاری، تاج‌گذاری، تخمک‌گذاری، تخم‌گذاری، جدول‌گذاری، حرکت‌گذاری، رمزگذاری، ریل‌گذاری، سپرده‌گذاری، سرمایه‌گذاری، سیاست‌گذاری، شماره‌گذاری، علامت‌گذاری، عمامه‌گذاری، فاصله‌گذاری، فشنگ‌گذاری، قانون‌گذاری، قیمت‌گذاری، کدگذاری، گروه‌گذاری، مین‌گذاری، نام‌گذاری، نشانه‌گذاری، نقطه‌گذاری، واگذاری، هدف‌گذاری

. گذر

آسان‌گذر، دشوارگذر، راه‌گذر، روگذر، ره‌گذر، زودگذر، زیرگذر، کنارگذر

. گذرانی

خوش‌گذرانی، وقت‌گذرانی

. گر

آبادگر، آرایش‌گر، آزمایش‌گر، آشکارگر، آشوب‌گر، آغازگر، آهن‌گر، ابداع‌گر، استبدادگر، استثمارگر، استعمارگر، اشغال‌گر، اصلاح‌گر، اغتشاش‌گر، الهام‌گر، امدادگر، ایثارگر، بازی‌گر، بیان‌گر، بیدادگر، پردازش‌گر، پرسش‌گر، پژوهش‌گر، تحلیل‌گر، تحمیل‌گر، تذهیب‌گر، تسهیل‌گر، تشویق‌گر، تصویرگر، تفسیرگر، توان‌گر، توطئه‌گر، جادوگر، جهادگر، چاپ‌گر، چاره‌گر، چپاول‌گر، حساب‌گر، حسگر، درودگر، دسیسه‌گر، زُفت‌گر، روی‌گر، ریخته‌گر، زرگر، ستایش‌گر، ستم‌گر، سفال‌گر، سفیدگر، سوداگر، سیاحت‌گر، شکنجه‌گر، شمارش‌گر، شمارگر، غارت‌گر، فتنه‌گر، کارگر، کاوش‌گر، کنش‌گر، کوزه‌گر، گردش‌گر، مرورگر، معجزه‌گر، نابودگر، نشان‌گر، نمایان‌گر، نمایش‌گر، نوازش‌گر، نوسان‌گر، ویران‌گر، ویرایش‌گر، هدایت‌گر، یاری‌گر، یغماگر

. گرایی

اسلام‌گرایی، انسان‌گرایی، بنیادگرایی، جوان‌گرایی، صورت‌گرایی، غرب‌گرایی، مدرک‌گرایی، نوگرایی

. گرد

ایران‌گرد، بال‌گرد، بیابان‌گرد، پادساعت‌گرد، پاگرد، جهان‌گرد، چپ‌گرد، خواب‌گرد، دوره‌گرد، راست‌گرد، ساعت‌گرد، طبیعت‌گرد، عقب‌گرد، ول‌گرد، هرزگرد، هرزه‌گرد

. گردان

آتش‌گردان، آفتاب‌گردان، بازی‌گردان، بلاگردان، تعزیه‌گردان، تورگردان، جوجه‌گردان، حال‌گردان*، خودگردان، روان‌گردان، روگردان، روی‌گردان، سیرک‌گردان، صحنه‌گردان، عروسک‌گردان، کارگردان

. گردی

ایران‌گردی، بیابان‌گردی، جهان‌گردی، خواب‌گردی، دوره‌گردی، طبیعت‌گردی، ول‌گردی

. گری

آدم‌گری، آهن‌گری، اباحی‌گری، افراطی‌گری، انقلابی‌گری، اوباش‌گری، حرفه‌ای‌گری، ریخته‌گری، صوفی‌گری، غربال‌گری، کدبانوگری، کولی‌گری، لاابالی‌گری، مجری‌گری، منشی‌گری، موزی‌گری، میانجی‌گری، ناشی‌گری، نظامی‌گری، وحشی‌گری، هم‌شهری‌گری، یاغی‌گری

. گریزی

ازدواج‌گریزی، دوربین‌گریزی، دین‌گریزی، زن‌گریزی، قانون‌گریزی، مرد‌گریزی، مردم‌گریزی، مرکز‌گریزی، مسئولیت‌گریزی، مصاحبه‌گریزی، هم‌گریزی

. گزاری

برگزاری، پیغام‌گزارى*، حج‌گزارى، خبرگزارى، خدمت‌گزارى، خواب‌گزارى، سپاس‌گزارى، سجده‌گزارى، شکرگزارى، گله‌گزارى، متن‌گزارى، نمازگزارى

. گزینی

بومی‌گزینی، به‌گزینی، کارگزینی، مدخل‌گزینی، همسرگزینی

. گسار*

اندوه‌گسار، انده‌گسار، باده‌گسار، پیمان‌گسار، غم‌گسار، می‌گسار

. گستری

آشوب‌گستری، خشونت‌گستری، دادگستری، دانش‌گستری، دین‌گستری، عدالت‌گستری، عدل‌گستری، کرم‌گستری، معدلت‌گستری، مهرگستری

. گشا

پاگشا، دل‌گشا، راه‌گشا، گره‌گشا، مشکل‌گشا

. گشایی

بازگشایی، جهان‌گشایی، رمزگشایی، عقده‌گشایی، کشورگشایی، گره‌گشایی، مشکل‌گشایی، نافه‌گشایی*

. گن*

اندوه‌گن*، خشمگن*، رحمگن*، سهمگن*، شرمگن*، شوخگن*، غمگن*، گرگن*، همگن

. گو

بذله‌گو، بلندگو، بیهوده‌گو، پاسخ‌گو، پیش‌گو، جواب‌گو، دروغ‌گو، راست‌گو، زورگو، سخن‌گو، غیب‌گو، گزیده‌گو

. گوار

آسان‌گوار، خوش‌گوار، دیرگوار*، زودگوار*، ناگوار

. گون

آسمان‌گون، دگرگون، دیگرگون، زرگون، گل‌گون، گندم‌گون، می‌گون، نیل‌گون

. گونه

این‌گونه، بیمارگونه، پسوندگونه، پیشوندگونه، چگونه، هرگونه، هیچ‌گونه

. گویی

بذله‌گویی، بیهوده‌گویی، پاسخ‌گویی، پیش‌گویی، جواب‌گویی، حقیقت‌گویی، خوش‌آمدگویی، درازگویی، دروغ‌گویی، راست‌گویی، سخن‌گویی، غیب‌گویی، قصه‌گویی، کفرگویی، مهمل‌گویی، نکته‌گویی، هرزه‌گویی، یاوه‌گویی

. گی

آزادگی، آزرده‌گی، آسودگی، آسیب‌دیدگی، افسردگی، بارندگی، بالندگی، بردگی، بستگی، بندگی، تشنگی، خستگی، خوانندگی، خوردگی، درندگی، دوندگی، رانندگی، زندگی، سازندگی، سرخوردگی، شکستگی، گرسنگی، گویندگی، محرمانگی، نوازندگی، نویسنده‌گی

. گیر

آب‌گیر، ایرادگیر، بادگیر، بوگیر، پیام‌گیر، جاگیر، چاشنی‌گیر*، چشم‌گیر، حال‌گیر، خش‌گیر، خمیرگیر، درگیر، دست‌گیر، دل‌گیر، زمین‌گیر، شیرگیر*، غش‌گیر، غلطگیر، فال‌گیر، کف‌گیر، گریبان‌گیر، گل‌گیر، مارگیر، ماهی‌گیر، نفس‌گیر، نورگیر، وقت‌گیر

. گیری

آب‌گیری، آب‌میوه‌گیری، آسان‌گیری، آفسایدگیری، آمارگیری، ازسرگیری، انتقام‌گیری، اندازه‌گیری، ایرادگیری، بارگیری، بهانه‌گیری، بهره‌گیری، پنچرگیری، پهلوگیری، پیش‌گیری، پیگیری، تصمیم‌گیری، جاگیری، جای‌گیری، جذرگیری، جرم‌گیری، جلوگیری، جهت‌گیری، جن‌گیری، حال‌گیری، خامه‌گیری، خرده‌گیری، خش‌گیری، خون‌گیری، خوگیری، دست‌گیری، رأی‌گیری، ردگیری، روغن‌گیری، ره‌گیری، زنده‌گیری، زورگیری، سخت‌گیری، سربازگیری، سوگیری، شکل‌گیری، عضوگیری، غافل‌گیری، غلط‌گیری، فال‌گیری، فراگیری، قالب‌گیری، کام‌گیری، کره‌گیری، کُشتی‌گیری، کناره‌گیری، گچ‌گیری، گردگیری، گروگان‌گیری، گلاب‌گیری، لب‌گیری، لکه‌گیری، ماهی‌گیری، مچ‌گیری، مشتق‌گیری، معرکه‌گیری، نتیجه‌گیری، نشانه‌گیری، نمونه‌گیری، هدف‌گیری، هواگیری، یادگیری، یارگیری

- گین

آزم‌گین، اندوه‌گین، خشم‌گین، سهم‌گین، شرم‌گین، غم‌گین، میان‌گین

- لاخ

دیولاخ*، سنگ‌لاخ، نمک‌لاخ*

- لان

تریاق‌لان*، دنبلان، شیرلان*، معنی‌لان*، نادره‌لان*، نمک‌لان*

- لرزه

تب‌لرزه*، دریالرزه، زمین‌لرزه

- م

پنجم، چندم، دوم، سوم، صدم، هزارم، هفتم، یک‌سوم، یک‌هزارم، ...

- مآب

اشراف‌مآب، پیرزن‌مآب، تاجر‌مآب، درویش‌مآب، دل‌مآب، روشن‌فکر‌مآب، ریاست‌مآب، شتر‌مآب، عرفان‌مآب، فاضل‌مآب، فرنگی‌مآب، فضیلت‌مآب، قلدر‌مآب، قلندر‌مآب، مقدس‌مآب، نوکر‌مآب

- مال

پامال، پای‌مال، دست‌مال، لگد‌مال، مشت‌مال

- مان (مون)

بن مضارع / ماضی + - مان: پادمان، پرسمان، پودمان، ترکمون، چایمان، چیدمان، ریدمان (ریدمون)، ریسمان (ریسمون)، زایمان، ساختمان (ساختمون)، گفتمان

اسم + - مان: خانمان (خانه + - مان)، دودمان (دوده + - مان)

صفت + - مان: شادمان

. مانند

خمیرمانند، سکومانند، سوزن‌مانند، شمشیرمانند، گلابی‌مانند، گنبدمانند، لوله‌مانند

. ماهی

آزادماهی، اردک‌ماهی، سفره‌ماهی، سگ‌ماهی، شیرماهی، فرشته‌ماهی، کوسه‌ماهی، گربه‌ماهی، گُرده‌ماهی، مارماهی، میبش‌ماهی

. مایه

بن‌مایه، پنیرمایه، خمیرمایه، درون‌مایه، سرمایه، عطرمایه

. محور

انسان‌محور، بازی‌کن‌محور، خودمحور، دین‌محور، سیاست‌محور، عدالت‌محور

. مدار

اخلاق‌مدار، ارزش‌مدار، ایدئولوژی‌مدار، تکلیف‌مدار، خردمدار، دین‌مدار، زرم‌مدار، زورمدار، سیاست‌مدار، شریعت‌مدار، عدالت‌مدار، عقل‌مدار، قانون‌مدار، قدرت‌مدار، مشتری‌مدار، معدلت‌مدار، ولایت‌مدار

. مرد

پای‌مرد، جوان‌مرد، دانشی‌مرد، دولت‌مرد، رادمرد، ناجوان‌مرد، نامرد

. مرگ

پیش‌مرگ، جوان‌مرگ، دق‌مرگ، ذوق‌مرگ، غصه‌مرگ

. مزد

پامزد*، پای‌مزد*، دست‌مزد، روزمزد، کارمزد

. مند

آرزومند، ابزارمند، ارادت‌مند، ارج‌مند، ارزش‌مند، اندیش‌مند، باورمند، بهره‌مند، توان‌مند، ثروت‌مند، حاجت‌مند، خردمند، دانش‌مند، دغدغه‌مند، روش‌مند، زورمند، زیست‌مند، سازمند، سال‌مند، سعادت‌مند، سودمند، شرافت‌مند، شکوه‌مند، ضابطه‌مند، عائله‌مند، عقیده‌مند، علاقه‌مند، غایت‌مند، غیرت‌مند، قانون‌مند، کارمند، کرامند*، گلایه‌مند، گله‌مند، نظام‌مند، نیازمند، نیرومند، هدف‌مند، هنرمند، هوش‌مند

صفت + - مند: پیروزمند، شادمند*

. منش

آقامنش، بزرگ‌منش، ددمنش، والامنش

- مین

پنجمین، چندمین، دومین، سومین، صدمین، هزارمین، هفتمین، ...

- ن

بادبزن (بادبیزن)، گزن، میشن (میش + - ن)، نازنین (ناز + - ن + - ین)

- نا

تنگنا، درازنا، فراخنا

- ناپذیر

آسیب‌ناپذیر، آشتی‌ناپذیر، اجتناب‌ناپذیر، احتراق‌ناپذیر، استثنا‌ناپذیر، اصلاح‌ناپذیر، امکان‌ناپذیر، انتقادناپذیر، انتقال‌ناپذیر، انعطاف‌ناپذیر، انکارناپذیر، باورناپذیر، پایان‌ناپذیر، تأثیرناپذیر، تجزیه‌ناپذیر، تحمل‌ناپذیر، ترجمه‌ناپذیر، تزلزل‌ناپذیر، تسخیرناپذیر، تغییرناپذیر، تفکیک‌ناپذیر، تقسیم‌ناپذیر، توجیه‌ناپذیر، توصیف‌ناپذیر، جبران‌ناپذیر، جدایی‌ناپذیر، خستگی‌ناپذیر، خلل‌ناپذیر، درمان‌ناپذیر، سازش‌ناپذیر، سیری‌ناپذیر، شکست‌ناپذیر، علاج‌ناپذیر، فرمان‌ناپذیر، فنا‌ناپذیر، گریزناپذیر، مقاومت‌ناپذیر، نفوذناپذیر، نقدناپذیر، وصف‌ناپذیر

- ناک

ابرناک، اسفناک، اندوه‌ناک، اندیش‌ناک، بیم‌ناک، تاب‌ناک، ترس‌ناک، تلخ‌ناک*، چسب‌ناک، حسرت‌ناک، خشم‌ناک، خطرناک، خوف‌ناک، دردناک، درشت‌ناک، دهشت‌ناک، رخت‌ناک، ریش‌ناک*، ریم‌ناک*، سوزناک، سوگ‌ناک، سهم‌ناک، شبهه‌ناک، شتاب‌ناک، شعف‌ناک، شیکوه‌ناک*، شورناک*، صعب‌ناک*، طرب‌ناک، علت‌ناک*، غبارناک، غضب‌ناک، غم‌ناک، کرشمه‌ناک*، کیف‌ناک، نم‌ناک، وحشت‌ناک، وهم‌ناک، هراس‌ناک، هول‌ناک

صفت + - ناک: تلخ‌ناک*، درشت‌ناک، صعب‌ناک*

- نامه

آیین‌نامه، اجاره‌نامه، اجازه‌نامه، ادعانا، اساس‌نامه، استشهادنامه، اظهارنامه، اندرزنامه، بارنامه، بخش‌نامه، برنامه، بیمه‌نامه، پاسخ‌نامه، پرسش‌نامه، پندنامه، پیمان‌نامه، تبریک‌نامه، ترازنامه، تشویق‌نامه، تصدیق‌نامه، تعزیه‌نامه، تفاهم‌نامه، توافق‌نامه، توبه‌نامه، توبیخ‌نامه، جشن‌نامه، دانش‌نامه، درس‌نامه، دوماه‌نامه، دو هفته‌نامه، رایانامه، رضایت‌نامه، روزنامه، زندگی‌نامه، زیارت‌نامه، سال‌نامه، سررسیدنامه، سرگذشت‌نامه، سفارش‌نامه، سفرنامه، سوگ‌نامه، سوگندنامه، سیاحت‌نامه، شاه‌نامه، شب‌نامه، شکایت‌نامه، شیکوه‌نامه، شناس‌نامه، شهادت‌نامه، شیوه‌نامه، صلح‌نامه، عقدنامه، عهدنامه، فتح‌نامه، فرهنگ‌نامه، فصل‌نامه، فوت‌نامه، فیلم‌نامه، قسم‌نامه، قول‌نامه، کتاب‌نامه، گاه‌نامه، گذرنامه، گواهی‌نامه، لغت‌نامه، ماه‌نامه، مبیعه‌نامه، مرام‌نامه، مناجات‌نامه، نام‌نامه، نظام‌نامه، نمایش‌نامه، واژه‌نامه، وصیت‌نامه، وقف‌نامه، وکالت‌نامه، هرزنامه، هفته‌نامه

- نای

چاک‌نای، سرخ‌نای، میزنای

- ند

آیند و روند، برآیند، پیرند*، تندو*، توفند، خورد، خوشایند، روند، سازند، فرایند، کشند، گزند، مانند، همانند (هم + مان - ند)

. نده

آزارنده، آفریننده، آلاینده، آینده، ارزنده، افزاینده، بازنده، بخشاینده، بخشنده، برخوردارنده، برنده، بُرنده، بسنده، بیننده، پاینده، پذیرنده، پردازنده، پرنده، پناهنده، توفنده، تولیدکننده، تهیه‌کننده، جونده، جوینده، جهنده، چرنده، خزنده، خواننده، دارنده، درنده، دونده، دیرنده*، راننده، رزمنده، زاینده، زیبنده، سازنده، سرآینده، شتاب‌دهنده، شتابنده، شرمنده، شنونده، شوینده، ضد عفونی‌کننده، فرساینده، فرستنده، فریبنده، فزاینده، کاهنده، کُشنده، گُشنده، کننده، گرونده، گزنده، گوینده، گیرنده، مصاحبه‌شونده، مصرف‌کننده، نشان‌دهنده، نگارنده، نماینده، نوازنده، نویسنده، وادارنده، یابنده

. نشان

الماس‌نشان، جواهرنشان، زمردنشان، گوهرنشان، یاقوت‌نشان

خاطر نشان

بی‌نام‌ونشان، نام‌ونشان

. نشین

آپارتمان‌نشین، اجاره‌نشین، ارمنی‌نشین، اسقف‌نشین، امیرنشین، بالانشین، برج‌عاج‌نشین، بسترنشین، بست‌نشین، پایتخت‌نشین، پشت‌میزنشین، ترک‌نشین، ته‌نشین، جانشین، چادرنشین، حاشیه‌نشین، خاکسترنشین، خانه‌نشین، خلوت‌نشین، خوش‌نشین، دل‌نشین، دیرنشین، راه‌نشین*، زاغه‌نشین، سرنشین، سلطان‌نشین، شاه‌نشین*، شیخ‌نشین، صحرانشین، صدرنشین، عرب‌نشین، فقیرنشین، قله‌نشین، کرایه‌نشین، گردنشین، کرسی‌نشین*، کوسه‌برنشین، کوه‌نشین، کویرنشین، گوشه‌نشین، مسندنشین، مسیحی‌نشین، می‌خانه‌نشین*، نیمکت‌نشین، یهودی‌نشین

. نشینی

آپارتمان‌نشینی، اجاره‌نشینی، شب‌نشینی، کوچ‌نشینی، نیمکت‌نشینی، یک‌جانشینی

. نظر

بلندنظر، پاک‌نظر، صاحب‌نظر

. نگار

تاریخ‌نگار، خبرنگار، دورنگار، روزنامه‌نگار، فرهنگ‌نگار، وقایع‌نگار

. نگاره

دیوارنگاره، سنگ‌نگاره، شیشه‌نگاره، گچ‌نگاره

. نگاری

انگشت‌نگاری، تاریخ‌نگاری، چهره‌نگاری، خبرنگاری، روزنامه‌نگاری، فرهنگ‌نگاری، فهرست‌نگاری، فیلم‌نگاری، نامه‌نگاری، وقایع‌نگاری، هرزه‌نگاری

- نگری

آینده‌نگری، بازنگری، جزء‌نگری، جزئی‌نگری، دورنگری، ژرف‌نگری، سطحی‌نگری، عاقبت‌نگری، کُل‌نگری، کلی‌نگری، گذشته‌نگری، مثبت‌نگری، منفی‌نگری، یک‌سونگری

- نما

آب‌نما، آدم‌نما، انگشت‌نما، بادنما، تماشاچی‌نما، جهان‌نما، خواب‌نما، خودنما، دارونما، دانش‌نما، درویش‌نما، دندان‌نما، دورنما، راه‌نما، روحانی‌نما، ره‌نما، ریشه‌نما، زن‌نما، سال‌نما، شاعر‌نما، شب‌نما، طاق‌نما، غیب‌نما، قبله‌نما، قطب‌نما، گندم‌نما، مردنما، مؤمن‌نما، نخ‌نما

- نمایی

بزرگ‌نمایی، بیمارنمایی، خودنمایی، راه‌نمایی، عورت‌نمایی، مظلوم‌نمایی

- نمود

بازنمود، ره‌نمود

- نمون*

ره‌نمون، ظفرنمون

- نواز

بنده‌نواز، چشم‌نواز، درویش‌نواز، دل‌نواز، دوست‌نواز، دیوانه‌نواز، رعیت‌نواز، سفله‌نواز، عاجز‌نواز، عاشق‌نواز، غریب‌نواز، فقیرنواز، گوش‌نواز، مسکین‌نواز، مهمان‌نواز

بربط‌نواز، بریشتم‌نواز، تارنواز، رودنواز، طنبورنواز، عودنواز، نی‌نواز، ویولن‌نواز

- نورد

بیابان‌نورد، رمل‌نورد، ره‌نورد، سنگ‌نورد، صحرانورد، صخره‌نورد، غارنورد، فضانورد، کوه‌نورد، کویرنورد، مریخ‌نورد، هم‌نورد، هوانورد

- نوش

باده‌نوش، پیاله‌نوش، جرعه‌نوش

- نوشت

پانوشت، پی‌نوشت، خودنوشت، رونوشت، سرنوشت، کوته‌نوشت

. نوشته

پارچه‌نوشته، پوست‌نوشته، دست‌نوشته، دل‌نوشته، دیوارنوشته، سنگ‌نوشته، قبرنوشته، گاه‌نوشته، نانوشته

. نویس

پاک‌نویس، پانویس، پیش‌نویس، تاریخ‌نویس، تذکره‌نویس، تندنویس، جغرافی‌نویس، چرک‌نویس، خودنویس، خوش‌نویس، داستان‌نویس، دانش‌نامه‌نویس، دست‌نویس، دشوارنویس، دعانویس، رمان‌نویس، روان‌نویس، زندگی‌نامه‌نویس، زیرنویس، ساده‌نویس، شعارنویس، طنزنویس، عریضه‌نویس، فرهنگ‌نویس، فهرست‌نویس، فیلم‌نامه‌نویس، گزارش‌نویس، لشکرنویس*، لغت‌نویس، مقاله‌نویس، نثرنویس، نمایش‌نامه‌نویس، ورزشی‌نویس، وقایع‌نویس

. نویسی

اسم‌نویسی، برگه‌نویسی، بیرون‌نویسی، پارچه‌نویسی، پذیره‌نویسی، پشت‌نویسی، تابلونویسی، تندنویسی، خاطره‌نویسی، خلاصه‌نویسی، خوش‌نویسی، داستان‌نویسی، درازنویسی، درست‌نویسی، دشوارنویسی، دعانویسی، دیوارنویسی، رمان‌نویسی، رونویسی، ساده‌نویسی، سناریونویسی، ظهرنویسی، عددنویسی، عریضه‌نویسی، غلمبه‌نویسی، فرهنگ‌نویسی، فهرست‌نویسی، فیش‌نویسی، فیلم‌نامه‌نویسی، قلمبه‌نویسی، کوتاه‌نویسی، گزارش‌نویسی، لغت‌نویسی، ماشین‌نویسی، مقاله‌نویسی، مقامه‌نویسی، نام‌نویسی، وبلاگ‌نویسی، وقایع‌نویسی

. نه

گزنه (گزنه - نه)

. و

کشو، ورزو، ولو

. و

اخمو، بوگندو، پُزو، پیرو*، ترسو، تندو*، جیغ‌جیغو، چسو، خارو، دماغو، دمرو، ریشو، ریغماسو، ریغو، ریقماسو، ريقو، زائو، زخمو، زرزرو، زیگیلو، سرخو، سیبیلو، شاشو، شپشو، شیکمو، علتو، عمو، غرغو، فس فسو، قهرو، کرمو، گریه‌ئو، گوزو، لاغرو، لپو، لقلو، نق‌نقو، نم‌نمو، هاف‌هافو، یارو

. وا

پیشوا، نانوا

. واده

خانواده (خانه + - واده)، کدواده*

. وار

اتوماتیک‌وار، افسانه‌وار، امیدوار، بزرگوار، پروانه‌واران، خانوار، خروار، خلاصه‌وار، دیوانه‌وار، راهوار، رودکی‌وار، رهوار، ریاضی‌وار، زهوار، سازوار، سزاوار، سوگوار، شاهوار، شلوار، عیال‌وار، فهرست‌وار، مسلسل‌وار، مسوار، هموار

- واره

ابرواره، اندام‌واره، انسان‌واره، بینی‌واره، پسوندواره، پشتواره، جشنواره، جمله‌واره، خُلواره، سنگواره، سوگواره، طرحواره، غزلواره، فرهنگ‌واره، فیلم‌واره، گاهواره، گوشواره، گهواره، ماهواره، نامواره، نقش‌واره، نمایش‌واره، همواره، یادواره

- واژه

طنزواژه، کلیدواژه، گل‌واژه، نوواژه، وارون‌واژه، وام‌واژه

- واش

اسب‌واش، جگرواش

- وان

پشتی‌وان*، دستوان*، ساروان، سایه‌وان*، سروان، شادروان* (چادر + - وان)، نخجیروان*

- وانه

انگشتوانه*، پشتوانه، دستوانه*

- ور

بارور، بهره‌ور، تاجور، جانور، حمله‌ور، دانشور، سخنور، سَرور، شناور، گویشور، نامور، هنرور*

رنجور، کیفور، گنجور، مزدور، نمور

- ورزی

جنگ‌ورزی، عشق‌ورزی، عنادورزی، غرض‌ورزی، کارورزی، مهرورزی

- وش

اختروش، پریوش، تلخ‌وش*، فیلوش، لولی‌وش*، مهوش، نیست‌وش*

- وک

برشتوک، رَموک، نروک، نموک

- ول

پنجول، چپول، چنگول، خنگول، زاغول، شنگول

- وله

زنگوله، کوتوله (کوتَه + - وله)

. و مند*

برومند، بهرومند (= بهره‌مند)، تنومند، حاجتومند (= حاجت‌مند)، خردومند (= خردمند)، دانشومند (= دانشمند)،
فضلومند، نیازومند (= نیازمند)

. ون

افراطیون، الاهیون، انقلابیون، حواریون، روحانیون، سیاسیون، قشریون، ملیون

. وند

پسوند، پیشوند، خداوند، شهروند، میانوند

. ه

آتش‌زنه، آرایه، آموزه، آویزه، اصله، افزونه، افشانه، انباره، اندیشه، انگیزه، باریکه، برف‌ریزه، پایانه، پایه، پشته، پنجه،
پوسته، پوشه، پوکه، پهنه، پیرایه، تراشه، تکانه، تنگه، تیغه، چنگه، خنده، خوره، دسته، دل‌شوره، دل‌غشه، دماغه، دنبه،
دوازدهه، دوساله، دهه، دیواره، رسانه، رنده، زبانه (زبونه)، زرده، سازه، سامانه، سبزه، سده، سرگیجه، سرماریزه،
سفیده، سویه، شماره، شناسه، صحنه، عرشه، عقربه، فیصله، کناره، کیسه، گریه، گزاره، گزاره، گستره، گمانه، گیره،
لبه، ماله، مویه، ناله، نقشه، نمایه، نویسه، هزاره، هفته، یکه

باطله، صادره، مأخوذه، محترمه، مرحومه، مغفوره، منحلّه، وارده

. ها

آب‌ها، آدم‌ها، اداره‌ها، بازی‌ها، بچه‌ها، خودروها، زمین‌ها، ...

. هراسی

آب‌هراسی، ارتفاع‌هراسی، اسلام‌هراسی، ایران‌هراسی، سیزده‌هراسی، صحنه‌هراسی

. ی

آزادی، آسمانی، انباری، بدی، تهرانی، جسمی، حشیشی، خوبی، روحی، زمینی، سیگاری، شیرازی، فولادی، هوایی، ...
خواندنی، دیدنی، ستودنی، شنیدنی، ...

. یاب

آسان‌یاب، ارزش‌یاب، ارزیاب، استعدادیاب، جفت‌یاب، جهت‌یاب، دروغ‌یاب، دشواریاب، دوست‌یاب، دیریاب، راه‌یاب،
ردیاب، ریشه‌یاب، شرف‌یاب، طلا‌یاب، عیب‌یاب، غلط‌یاب، فلزیاب، کام‌یاب، مسیر‌یاب، مین‌یاب، نکته‌یاب، واژه‌یاب،
همسریاب

. یابی

ارزش‌یابی، ارزیابی، استعدادیابی، بازیابی، جفت‌یابی، جهت‌یابی، دروغ‌یابی، دوست‌یابی، راه‌یابی، ردیابی، ریشه‌یابی، شرف‌یابی، عیب‌یابی، غلط‌یابی، کام‌یابی، مسیر‌یابی، مکان‌یابی، مین‌یابی، نکته‌یابی، همسر‌یابی

- یار

استادیار، بخت‌یار، بهیار، پزشک‌یار، دادیار، دانش‌یار، دست‌یار، دفتریار، شورایار، شهریار، کتاب‌یار، کودک‌یار، هش‌یار، هوش‌یار

- یاری

آب‌یاری، استادیاری، بخت‌یاری، پزشک‌یاری، خودیاری، دادیاری، دست‌یاری، دفتریاری، شورایاری، شهریاری، کودک‌یاری، هش‌یاری، هم‌یاری، هوش‌یاری

- یافت

اندریافت*، بازیافت، دریافت، ره‌یافت

- یت

آشنائیت، ابدیت، احدیت، ارجحیت، ارشدیت، ازلیت، اسلامیت، اشرافیت، اصلیت، اقلیت، اکثریت، امنیت، انسانیت، اولویت، اهلیت، اهمیت، ایرانیت، بدویت، بربریت، بشریت، بلدیت، بهائیت، تابعیت، تبعیت، تمامیت، ثنویت، جامعیت، جاهلیت، جدیت، جذابیت، جزمیت، جمعیت، جمهوریت، حاکمیت، حتمیت، حجت، حریت، حساسیت، حقانیت، حکمیت، حلالیت، حیثیت، حیوانیت، خاصیت، خریت، خصوصیت، خلاقیت، خوبیت، خیریت، دوئیت، ذهنیت، راستیت، ربانیت، رسمیت، رقیت، روحانیت، رهبانیت، رهبریت، زنیت، زوجیت، سبعبیت، سمیت، سنخیت، سندیت، شخصیت، شفافیت، شکاکیت، شهریت، شهوانیت، صمیمیت، ضدیت، ظرفیت، عاملیت، عصبانیت، عضویت، عقلانیت، علیت، عمومیت، عینیت، غذائیت، فامیلیت، فردیت، فعالیت، فوریت، قابلیت، قاطعیت، قانونیت، قطبیت، قطعیت، قومیت، کروییت، کلیت، کمیت، کیفیت، مالکیت، مأموریت، مانویت، متممیت، مجبوریت، مجذوبیت، مجرمیت، محبوبیت، محدودیت، محرمیت، محرومیت، محکومیت، محلّیت، محوریت، مدخلیت، مدنیت، مدیریت، مرجعبیت، مردیت، مرغوبیت، مرکزیت، مسمومیت، مسیحیت، مسئولیت، مشروطیت، مشروعیت، مشغولیت، مشهوریت، مصدومیت، مصونیت، مطلوبیت، مظلومیت، معافیت، معذوریت، معروفیت، معصومیت، معلولیت، معنویت، معیت، مقبولیت، ملکیت، ملیت، ممنوعیت، منیت، موجبیت، موجودیت، موضوعیت، موفقیت، موقعیت، مهدویت، نسبیت، نصرانیت، نورانیت، واقعیت، وحدانیت، وحشیت، وضعیت، یهودیت

- یچه

- دریچه

- یر

- دلیر

- یزه

پاکیزه، رنگیزه، مَشکیزه*، میلیزه (میله + - یزه)

- یست

آنارشپیست، بسکتبالپیست، رنالیست، فوتبالپیست، ماتریالیست، والیبالپیست، هندبالپیست

- یسم

آته‌نیسم، آخوندیسم، اگزپستانسیالیسم، امپریالیسم، بودیسم، پهلوپیسم، رئالیسم، سوررنالیسم، فایسم، کلاسیسیسم، مدرنیسم، نیهیلیسم

- یک

تاریک، نزدیک

- یکه

زنیکه، مرتیکه

- ین

ابوین، اعتدالین، انقلابین، بیضتین، بین‌الهالین، جناحین، خصیتین، خط‌المركزین، دولتین، ذوالیمینین، ذوحدین، ذوقافیتین، ریتین، زوجین، شهادتین، ضدین، طرفین، فکین، قطبین، کعبتین، کلبتین، کلیتین، لوزتین، متساوی‌الساقین، متعاقدین، متعاملین، مجلسین، محدب‌الطرفین، مرضی‌الطرفین، مقعرالطرفین، منخرین، نعلین، نقیضین، والدین، وسطین

- ین

آخرین، آذرین، آغازین، آهنگین، آهنین، ابریشمین، ارزنین*، اولین، برین، بلورین، پایین، پسین، پوستین، پیشین، جوین، چرکین، چندمین، چندین، چوبین، خونین، خونین و مالین، دروغین، دوشین*، دومین، دیرین، راستین، ریشین*، زبرین، زرین، زیرین، سنگین، سیمین، شیرین، فولادین، کدامین، مومین، نازنین، نخستین، نمکین، نوشین*، نوین

آمرین، اربعین، ارحم‌الراحمین، امیرالمؤمنین، بازرسین، تابعین، تاجرین، جابرین، جاعلین، حاضرین، سایرین، صاحبین، مالکین، مترجمین، متخلفین، محرومین، محصلین، محققین، مخترعین، مراجعین، مستضعفین، مستکبرین، مسئولین، معاونین، مفسدین، مکتشفین، منسوبین، مؤلفین، مهندسین

- ینه

بهینه، بیشینه، پارینه*، پشمینه، پوشینه، پیشینه، جلینه، خاکینه، دستینه، دوشینه*، دیرینه، رمزینه، زئینه*، سبزینه، سفالینه، فرشینه، کرمینه، کمینه، گرگینه، گنجینه، مادینه (ماده + - ینه)، ماستینه، مردینه*، نخینه، نرینه، نقدینه، نهادینه

- ینه

ابلاغیه، اتحادیه، اثاثیه، اجرائیه، اجلاسیه، احصائیه، احضاریه، اختتامیه، اختطاریه، استشهادیه، اطلاعیه، اعتراضیه، اعلامیه، افتتاحیه، الحاقیه، امامیه، امریه، امنیه، اواریه، اولیه، اهدائیه، بابیه، باطنیه، بلدییه، بیانیه، تأییدیه، تحریریه، تذکاریه، تقنینیه، تکذیبیه، جلیدیه، جوابیه، جهیزیه، حسینییه، خیریه، زجاجیه، زلالیه، سهمیه، شکوائیه، شهریه، صلیبیه، صوفیه، عدسیه، عدلیه، عُشریه، عنبیه، عنکبوتیه، عواریه، غرابیه، فخریه، فرضیه، فطریه، قضائیه، قهریه، کلیه، لاداریه، مالیه، مشیمیه، مهریه، نشریه، نظریه، نظمییه، ورودیه، هجویه